

ارمنیان

«گزارشی موثق و جامع» _گاردین_

دیوید مارشال لانگ

کریستوفر ج. واکر

ترجمهٔ

ا. گرمانیک

ارمنیان

دیوید مارشال لانگ
کریستوفر ج. واکر

ترجمهٔ ا. گرمانیک

فهرست

موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ دهم دسامبر ۱۹۴۸:

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد بدنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به‌یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

مادهٔ ۲

هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیدهٔ سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یاهر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیهٔ آزادیهایی که دراعلامیهٔ حاضر ذکر شده‌است، بهره‌مند گردد.

بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بروضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین‌المللی کشور یاسرزمینی باشد که شخص به‌آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یاحاکمیت آن به‌شکلی محدود شده باشد.

مادهٔ ۱۰

هر کس باتساوی کامل حق دارد که دعوایش به وسیلهٔ دادگاه مستقل و بیطرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی در بارهٔ حقوق و الزامات او یاهر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید.

مادهٔ ۱۹

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به‌تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

مادهٔ ۲۰

۱- هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد.

۲- هیچ کس را نمی‌توان مجبور بشرکت دراجتماعی کرد.

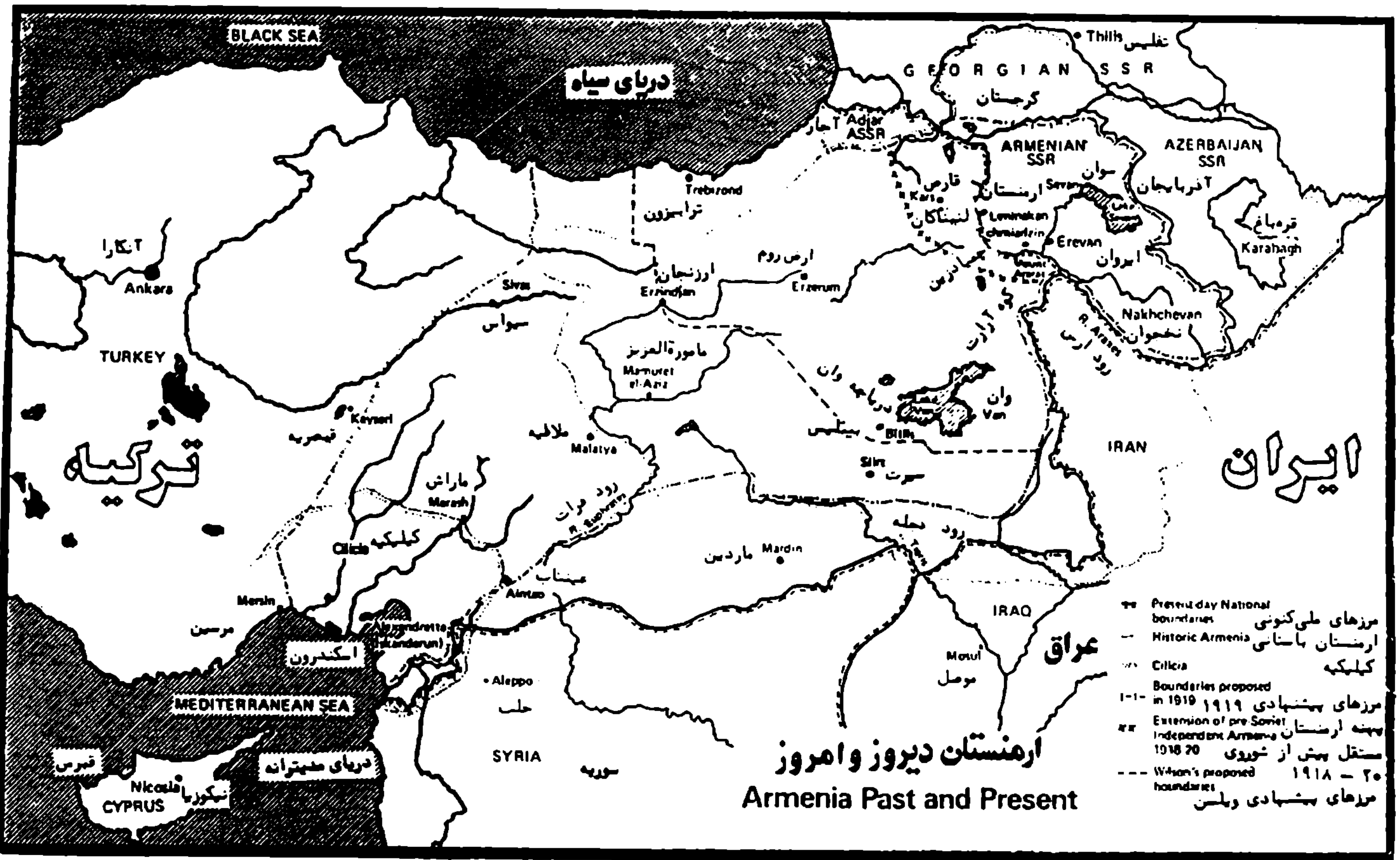
مقدمهٔ مترجم

انتشار کتاب "تاریخ ارمنستان" (در دو جلد) مورد استقبال شدید خوانندگان قرار گرفت و اکنون نسخ آن کمیاب شده است. از آنجاکه مطالعه این کتاب نسبتاً" مفصل برای برخی از خوانندگان غیرحرفه‌ای دشوار بود و به منظور پاسخگویی به تقاضای عموم و نیز برای مطالعه تاریخ ارمنیان از دیدگاه نویسندگان غیر ارمنی اقدام به نشر این اثر گردید که گزارش شماره ۳۲ گروه حقوق اقلیتها (MRG) است. این گروه که مرکزش در لندن واقع است به بررسی مشکلات و تاریخ جدید ملتهای کوچک جهان می‌پردازد.

نویسندگان کتاب حاضر سالیان متمادی در خصوص ارمنیان تحقیق نموده‌اند لیکن در برخی موارد از خطاهای تاریخی در این کتاب مبرا نمانده‌اند. اما آنچه که جلب توجه میکند اقرار نویسندگان انگلیسی به سیاست ننگین دولتهای خارجی بویژه دولتهای اروپائی در قبال ارمنیان میباشد. نویسندگان توانسته‌اند نگاهی اجمالی و مفید بر تاریخ چندین قرنی ارمن بویژه سده‌های نوزدهم و بیستم بیفکنند و خوانندگان را از اهم اطلاعات آگاه سازند.

امروزه دولت مردان و "مورخان" ترک بطور وقیحانه سکونت ارمنیان در بخش شرقی ترکیه را بکلی انکار میکنند حتی اخیرا "برنامه دوم رادیوی استامبول در باره خرابه‌های شهر آنی واقع در نزدیکی مرز ارمنستان شوروی و ترکیه داستان خنده‌آور و مسخره‌ای تعریف کرده است که ذکر آن در اینجا باعث شرمساری همگان خواهد بود. (رجوع شود به مجله دو هفتگی گولس چاپ استامبول مورخ ۱۵ اوت ۱۹۸۲). ایشان حتی سنگ نوشته‌های ارمنی ارمنستان اشغالی را به اجداد ترک خود منسوب میکنند. آثار باستانی ارمنی از جمله کلیساهای قدیمی که در ارمنستان ترکیه پابرجا باقی مانده‌اند همواره در معرض خرابی و ویرانی طبیعی و عمدی دولت ترکیه قرار دارند وهیچیک از دولتهای به اصطلاح متمدن برای حفظ این آثار گرانبها قدمی بر نمی‌دارد. در حالیکه کمی آنطرف‌تر در ایران و یا ارمنستان شوروی کلیه این بناها مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته و میگیرند.

مطلب دیگری که ذکر آن لازم است کاربرد برخی اسامی بوسیله نویسندگان میباشد که اصولا" صحیح بنظر نمی‌رسد از جمله بکار بردن کلمه داشناک به جای داشناکسوتیون. در حالیکه فرم دوم صحیح است، مترجم اجبارا" برای حفظ امانت اینگونه کلمات را همانطور که در متن انگلیسی آمده ترجمه کرده است. با این امید که کتاب حاضر مورد پسند خوانندگان گرامی واقع گردد.



ارمنستان دیروز و امروز

Armenia Past and Present


Armenian S.S.R.
ارمنستان شوروی
GEORGIAN S.S.R.
AZERBAIJAN S.S.R.
ARMENIAN
NAKHCHEVAN A.S.S.R.
TURKEY
IRAN
ایران
Noemberian
Berd
Idzhevan
Alaverdi
Debyed R.
Kalinino
Krasnosesk
Stepanovan
Dilijan
Kirovakan
Sevan
L. Sevan
Amasia
Leninakan
Razdan
Kamo
Razdan R.
Martuni
Aragats
4095
Arzni
Ajdaak
3598
Artik
Ashtarak
Geghard
Garni
Byurakan
Erevan
Verin Talin
Echmiadzin
Dvin
Akhurian R.
Octemberian
Artashat
Araxes R.
Dzhermuk
Vorotan R.
Goris
Sisian
Ekhegnadzor
Arpa R.
Azizbekov
Kafan
Kadzharan
Koputdzhukh
3906
Megri
Agarak

پیشگفتار

در فاصلهٔ بین سالهای ۱۸۹۵ تا ۱۹۲۰، مسئلهٔ ارمنی مرتبا" در صدر اخبار قرار داشت. قتل عام‌ها در سالهای ۱۸۹۴ – ۱۸۹۶ توسط سلطان عبدالحمید، سپس بدست ترکهای جوان در اثنای سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸ انجام گردید و چنان ترس و وحشتی بوجود آورد که عملیات هیتلر در قبال یهودیان در جهان باعث شد. آدولف هیتلر خود در ملاء عام قتل عام ارمنیان را میستود و به جوخه‌های خویش دستور داد تا در سال ۱۹۳۹ در لهستان چنان کنند که ترکان عثمانی در ۱۹۱۵ مرتکب شده بودند. رهبر اعلام داشت: " من به جوخه های مرگ دستور داده‌ام تا زنان، مردان و کودکان نژاد لهستانی زبان را بدون هیچگونه رحم و دلسوزی نابود سازند. فقط بدین طریق است که ما میتوانیم فضای مورد نیاز زیستی خود را بدست آوریم. بعلاوه، امروز چه کسی انهدام ارمنیان را بیاد دارد؟ ".

متفقین پیروز، در سال ۱۹۱۹ اعلامیه مهم خود را در مورد حاکمیت ارمنستان مستقل و آزاد انتشار دادند که بر ویرانه‌های موطن قدیمی خود در آناتولی شرقی و ماوراء قفقاز رستاخیز می‌یافت. هیچیک از قولهای آنان جامه عمل نپوشید. چرا چنین شد؟ برخی از دلایل ممکن است انهدام کامل ساکنان اصلی ارمنی در بیشتر از سه چهارم قلمرو مورد نظر، تضعیف نیروهای متفقین پس از جنگ، کنار رفتن پرزیدنت وودرو ویلسن وقدرت یافتن طرفداران عدم مداخله در سیاست کشورهای بیگانه، و مهمتر از همه موافقت حاصل شده در سال ۱۹۲۰ میان دو شخصیت " مردود " سیاسی، کمال آتاترک و و. ای. لنین، برای تقسیم موطن آباء و اجدادی ارمنستان میان خود بعنوان نتیجه عملکرد نیروهای " امپریالیستی " غرب باشد.

برای مدت تقریبا" نیم قرن پس از جنگ جهانی اول، مسئله ارمنی دگربار مطرح گردید. شخصیت متزلزل کمال آتاترک (متوفی در ۱۹۳۸) در صحنه سیاسی ترکیه حکمفرما بود. بسیاری از شاهدان خارجی دورنمای ترکیه‌ای حیات نو یافته و نو را لبیک گفتند و از فراموشی و دفن خاطرات تیره و تاریک تبعیض نژادی در گذشته خوشنود بودند. ترکیه در جنگ جهانی دوم بیطرف ماند و بدین خاطر متفقین غربی بسیار سپاسگزار بودند.

استالین گرجی باستوان ارمنی خود آ. ای میکویان خوشنود بود که موقتا" موطنی ملی برای ارمنیان در مرزهای آشوب زده جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بنا کند. در اثناء نیم قرن گذشته، حکومت شوروی در مورد تمایلات نظریه سیاسی وحدت ملل و اقوام بصورت حکومتی واحد با نظریه روانشیستی (اعاده وضعیت یا قلمرو پیشین – م) چه در ارمنستان و چه بین جوامع مهاجر بسیار محتاط بوده است. بزرگترین استثناء این سیاست مبارزه استالین در سال ۱۹۴۵ برای ضمیمه ساختن قارص و آرداهان، به موازات کوشش برای بدست آوردن اکثر بخشهای آذربایجان و کردستان ایران بود. وقتی که در سال ۱۹۶۵ ارمنیان در جریان بزرگداشت پنجاهمین سال قتل عام ۱۹۱۵ در ایروان تظاهرات کردند، بسیاری توسط پلیس بازداشت شده و برای چند ماه به اردوگاه های کار اجباری فرستاده شدند. در سال ۱۹۷۶ آقای کاسیگین تاکید کرد که اتحاد شوروی هیچگونه ادعای ارضی نسبت به ترکیه ندارد.

اهمیت در ناتو (۱) و سنتو (۲) بدین معنی است که تقسیم این کشور به قطعات کوچک توسط تجزیه یا اعطاء خودمختاری محلی، به بخش‌های ارمنی‌نشین و کردنشین بدون دلسوزی وهمفکری ایالات متحده و متحدانش خواهد بود. از جنگ دوم جهانی به بعد خالی از سکنه ومتروک نگاه داشتن استانهای شرقی ترکیه بعنوان " منطقه مرزی و محافظ " برای غربیان خوشایندتر بوده است تا اینکه دوباره نظاره‌گر این واقعیت شوند که این منطقه مورد سکونت مجدد ارمنیان واقع شده و آنان با برادران خود در ارمنستان شوروی همسایه و یار و یاور گردند.

طلعت پاشا ، وزیر داخله ترکیه در طول جنگ جهانی اول و معمار ارشد کشتارهای ۱۹۱۵، اظهار امید واری کرد که راه حل وی در قبال مسئلهٔ ارمنی اگر اجرا نشود نیل به هدف، حداکثر نیم قرن طول میکشد تا حاصل شود. این کاملا" بیانگر یک برآورد خوب است، درخارج از استامبول، در ترکیه امروزی، هیچیک از اولاد یک و نیم میلیون قربانی ارمنی دوباره اقامت نگزیده است. مثلا" یکی از عمده‌ترین شاهراهها در آنکارا، امروزه بولوار طلعت پاشا نام دارد. پس از تحولات

۱ – ناتو NATO (اختصار North Atlantic Treaty Organization) سازمان پیمان آتلانتیک شمالی – که در ۴ آوریل ۱۹۴۹ تشکیل شد و دولت ایالات متحده آمریکا را به دولتهای غربی می‌پیوندانند. این پیمان اساسا" بر ضد شوروی و کشورهای اروپای شرقی تنظیم شده و در برابر آن پیمان ورشو قرار دارد. م.

۲ – سنتو CENTO (اختصار Central Treaty Organization) سازمان پیمان مرکزی در ۲۱ اوت ۱۹۵۹ جانشین پیمان بغداد شد. ایران، انگلستان، پاکستان و ترکیه عضو آن بودند. این پیمان پس از انقلاب اسلامی ایران از هم پاشید – م.

۱۹۱۵ – ۱۹۱۸ ، حداقل دو نسل لازم بود تا ارمنیان پراکنده شده در مهاجرنشین‌ها تعادل و احساس ملیت واحد خود را باز یابند. در طول دو دهه اخیر، ما شاهد احیاء اعتماد به نفس ارمنیان در چهارگوشه جهان بوده‌ایم. حوادث متعدد سیاسی، ارمنیان تازه حیات یافته را به تجدید احساسات اعتراض آمیز و حزن‌آلود تشویق نمود، در بین این وقایع میتوان حملات مرگبار به جان اقلیت‌های مسیحی در خیابانهای استامبول (۶ سپتامبر ۱۹۵۵ قابل ذکر است) و حملاتی که افراطیون ترک در سال ۱۹۶۳ بر علیه ارمنیان در قبرس و بار دیگر در حمله ۱۹۷۴ انجام داده‌اند، یاد کرد. متاسفانه ما باید یادآور شویم که‌جنگ داخلی لبنان مقر جاثلیق ارمنیان در آنتیلیاس را نیز مصون نگذاشت.

****

در این گزارش، هر دو مولف سعی نموده‌اند این مسئله جدی و تاکنون لاینحل مانده ارمنی را تحت بررسی دقیق قرار دهند. ما نه نظر و غرضی داریم و نه‌هیچیک از ما نسبتی با ارمنیان دارد. هر دو ما بدفعات به نقاط مختلف ارمنستان سفر کرده‌ایم. لانگ ارسال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ در تبریز بود (آذربایجان ایران) و از کوهپایه‌های ایرانی، کوه‌آرارات را دیدن کرد. او در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ ارمنستان شوروی رامورد بازدید قرار داد. واکر از ارمنستان ترکیه از جمله وان، آغتامار، قارص و آنی در سال ۱۹۷۱ و از ارمنستان شوروی نیز در همان سال دیدن کرده است. ما سعی کرده‌ایم در برخورد با این مسئله غم انگیز و بسیار مهم کاملا" واقع‌بین و بی‌طرف باشیم. نحوه بررسی ما احتمالا" برای برخی از خوانندگان خونسردانه خواهد بود در حالیکه برخی از دوستان ترک ما احتمالا" آنرا طرفداری از ارمنیان تلقی خواهند نمود. برخی از گزارشات دیگر سری MRG تقریبا" با تمام وقایع ده سال اخیر در ارتباط است. ما ضرورتا" احساس کردیم که در این گزارش وقایع قدیمتر را نیز مورد بررسی قرار دهیم. این امر جزئا" بدین خاطر بود که " راه حل نهایی " عثمانی برای مسئله ارمنی بیش از ۶۰ سال پیش به اجزا در آمد و نیز بدین علت که مبلغین ترک این داستان و تئوری‌های کاملا" ساختگی و تخیلی را پیش میکشند که ترکان (که البته حدود ده قرن پیش از آسیای مرکزی به ترکیه آمده و اقامت گزیده‌اند) فرزندان واقعی ساکنان اصلی ارمنستان و آسیای صغیر هستند. بسیاری مردم نیز فریب این ادعاهای ترکان را خورده‌اند و ما فکر میکنیم که برخی از حقایق و واقعیتها را بر اساس تحقیقات باستانشناسی و تاریخی دگربار مورد بررسی قرار دهیم (۲).

بخش نخست

ملت ارمن

ارمنستان

موطن ارمنیان که از لحاظ تاریخی به ارمنستان بزرگ اشتهار یافته، یک سرزمین وسیع کوهستانی شامل‌بخش اعظم آناتولی شرقی را در بر دارد. اگر ما مرزهای غربی را بین خارپوت و ملاثیه و مرزهای شرقی را بین خوی و آذربایجان ایران و قره‌باغ شوروی (۴) در نظر بگیریم، مسافتی بیشتر از ۴۵۰ مایل (۷۲۴ کیلومتر – م.) "بخط مستقیم " خواهد داشت. از مرز شمالی ارمنستان بین آرداهان و دریاچه سوان بطرف جنوب تا مرزهای تاریخی با کردستان در جنوب دریاچه وان، حدودا" ۲۵۰ مایل (۴۰۲ کیلومتر – م.) است. با در نظر گرفتن شکل نامنظم کشور، این سرزمین نباید کمتر از ۱۰۰/۰۰۰ مایل مربع (حدود ۲۶۰/۰۰۰ کیلومتر مربع – که البته رقم دقیق‌تر آن حداقل ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد م.) وسعت داشته باشد.

مطابق چاپ تجدید نظر شده **دایرةالمعارف اسلامی**، "ارمنستان باستان " شامل ارمینیهٔ دوران حکومت عرب عباسیان و اکثر قسمتهای کردستان امروزی از جمله کشور حکیاری (۵) میشد. مطابق همین کتاب ارمنستان بزرگ بین ۳۷ و ۴۹ درجه طول شرقی و ۳۷/۵ و ۴۱/۵ درجه عرض شمالی واقع است. این دایرةالمعارف سطح کل تقریبی ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع یا ۱۱۵۰۰۰ مایل مربع برای ارمینیه تخمین میزند. ارمنستان اصغر (۶) در سده های میانه منطقه‌ای در شمال غربی ارمنستان بوده در مجاورت شهر استراتژیکی ارزنجان واقع در ترکیه کنونی، قرار داشت. در جریان جنگهای صلیبی پادشاهی مهم ارمنی در کیلیکیه حوالی خلیج اسکندرون (۷) وجود داشت که شامل زادگاه پولس مقدس واقع در تارسوس میشد. این پادشاهی توسط خاندان ارمنی روبینیان و

۳ – برای کسب آگاهی بیشتر در مورد ادعاهای پوچ " مورخان؟ " ترک به کتاب " آذربایجان‌واران " بخش چهارم، نوشته استاد عنایت‌الله رضا، چاپ اول تهران ۱۳۶۰ مراجعه شود – م.

۴ – قره‌باغ همان استان آرتساخ ارمنستان است که از مام وطن جدا افتاده است – م.

5-Hakkiari
6-Lesser Armenia

۷ – در قدیم به خلیج ارمن معروف بود – م.

سپس لوسینیان فرانسوی اداره میشد. این حکومت توسط مملوکان مصری بسال ۱۳۷۵ میلادی سقوط کرد. کیلیکیه تحت عنوان "ارمنستان کوچک"(۸) نیز معروف و شامل شهر مدرن آدانا بود.

ارمنستان شوروی امروزی، شامل فقط ده‌درصد یعنی ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع از قلمرو ارمنستان بزرگ است. اما در اتحاد شوروی چندین منطقه ارمنی‌نشین از جمله در آذربایجان شوروی وجود دارد که مهمترین آنها قره‌باغ کوهستانی با ۸۵% ساکنان بومی ارمنی میباشد.

نقشه جدید ترکیه تماما" شامل آثاری از ارمنستان است. منطقه‌ای که سابقا" تحت عنوان ارمنستان ترکیه قرار داشت به بخشهای اداری ترکیه تقسیم گردیده و نامهای ترکی جانشین نامهای ارمنی مکانهای قدیمی شده است. هرگونه ذکری از "ارمنستان ترکیه" شدیدا" ممنوع گردیده است.

مناطق ارمنستان، بویژه وادی رود ارس و ناحیه‌وان بطور حیرت‌آور زیبا و حاصلخیز است. این امر به نظری که حاکی از این بود که ارمنستان جایگاه باغ عدن مذکور در کتاب مقدس است، عینیت می‌بخشد. با این وجود این توصیف شامل کمتر از یک چهارم کل قلمرو ارمنستان است. قسمت اعظم ارمنستان با فاصله از "سرزمین شیر و عسل" در واقع غیر مسکون است. این سرزمین توسط کوههای فراوان که اکثرا" کوههای آتشفشانی به ارتفاع بیشتر از ۱۰/۰۰۰ پا (حدود ۳۰۰۰ متر ـ م.) هستند تقسیم شده است. مرتفعترین قله ارمنستان یعنی کوه آرارات بیش از ۱۷۰۰۰ پا (۵۱۵۶ متر ـ م.) بلندی دارد. ارتفاع متوسط فلات ارمنستان بالغ بر ۵۰۰۰ پا (حدود ۱۵۲۴ متر ـ م.) میشود. این منطقه که در معرض باد قرار دارد دارای آب و هوای سختی است، زمستانها هفت ماه و تابستانهای خشک و کوتاه مدت فقط سه ماه طول میکشد. یک شهر نمونه ارمنستان مثل لنیناکان در نزدیکی مرز شوروی با ترکیه ۵۰۷۸ پا (حدود ۱۵۴۸ متر ـ م.) از سطح دریا ارتفاع دارد ودر زمستان دارای درجه حرارتی معادل ۱۲ فارنهایت (۱۱ـ درجه سانتیگراد) میباشد. ارمنستان غالبا" توسط زلزله‌های مخرب بلرزه درمی‌آید. ناحیه وارتو و مناطق مجاور در غرب دریاچه وان در اثنای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شدیدا" خسارت دیده‌اند.

حمل و نقل در اکثر قسمتها با دشواری انجام میشود. رودهای کمی قابل کشتیرانی است، و در دریاچه های وان و سوان میتوان قایقرانی کرد. در طول دهه گذشته، خط آهنی بین استامبول و تهران از طریق دریاچه وان کشیده شده و جاده اصلی تبریز ـ ارضروم برای عبور کامیونهای سنگین و عبور و مرور اتوبوسها گسترش و بهبود یافته است. حمل و نقل در ارمنستان شوروی به بهترین وضع خود صورت میگیرد. خدمات مستقیم هوایی توسط اروفلوت، ایروان را ظرف چند ساعت به مسکو متصل کرده و سرویس مستقیم هوایی به تفلیس و لنینگراد و حتی بیروت وجود دارد. خط اصلی راه آهن ایروان ـ باکو وایروان ـ تفلیس و در نتیجه به روسیه، دایر است. در حدود ده سال پیش یک خط جدید نیز از ایروان به دریاچه سوان کشیده شد و قطارهای مدرن برقی در فواصل زمانی بسیار کوتاه به فعالیت خود ادامه میدهند.

ارمنستان از حیث فلزات قیمتی ونیمه قیمتی و معادن زیرزمینی بسیار غنی است. با وجود این، نفت بسیار کم بوده ویا اصلا" وجود ندارد. در ارمنستان شوروی گام‌های بزرگی در جهت کنترل آبهای رودخانه هرازدان برای برنامه‌های هیدروالکتریکی برداشته شده است.

بویژه موقعیت سخت جغرافیائی ارمنستان بزرگ، عدم دسترسی آن به دریاست. ارمنستان توسط رشته جبال قفقاز از روسیه جدا میشود و نزدیکترین شهرهای بندری به این کشور بنادری چون ترابوزان در ترکیه، باتوم در گرجستان و باکو در آذربایجان میباشند. از سال ۱۰۸۰ تا ۱۳۷۵ میلادی، پادشاهی ارمنی کیلیکیه تماس مستقیمی با مدیترانه شرقی و در نتیجه با بنادر متعدد و بسیار عالی داشت ولی این فقط یک موقعیت موقتی بود. در غیر اینصورت ارمنستان بکلی محصور در خشکی است و همیشه از این واقعیت چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی رنج برده است.

ارمنیان کیستند؟

گرچه ارمنیان بزبان هند و اروپایی سخن میگویند، لیکن نسبتشان به اقوام قدیمی میرسد که از دوران‌های ماقبل تاریخ در موطن سنتی خود در آناتولی شرقی اقامت گزیده بودند. اسناد بسیار قابل توجه باستان‌شناسی راجع به تداوم اسکان منطقه اطراف کوه آرارات از دوران دیرینه سنگی وجود دارد. بطوریکه داستان کشتی نوح کتاب مقدس این واقعیت تاریخی را منعکس میسازد، بویژه تعدادی حیوانات و پرندگان و گیاهان سودمند بر اساس اشکال و اجداد اولیه خود پرورش یافته و اکنون در ماوراء قفقاز موجودند. انسانشناسان شکل فیزیکی خاص "Armenoid" نسبتا" کوتاه و متراکم، اغلب با پشت صاف تا سر و بینی برجسته و پیازی شکل را تشخیص داده‌اند.

بیشتر از یک هزار سال قبل از میلاد، ارمنستان توسط مردمی مشهور به اورارتوئیان تصرف گردید. "اورارتو"

8-Little Armenia

در واقع همان نام آرارات در زبان آشوری است. اورارتوئیان پادشاهی مهمی با مرکز وان تاسیس نمودند که ویرانه‌های دژها و قصرهای آنها حتی امروزه نیز وجود دارد. در حدود سال ۶۰۰ ق. م. اورارتو توسط مهاجمان متعددی از جمله اسکیوتیان، مادیان (پیشینیان کردان امروزی) و برخی مردم دیگر که خود را " هایاسا " می‌نامیدند و از آناتولی مرکزی نزدیک حکومت هتیان می‌آمدند، مورد تاخت و تاز قرار گرفت. ارمنیان امروزه سرزمین خود را هایاستان و نیای افسانه‌ای خویش را **هایک** می‌نامند. ساکنان قدیمی ارمنستان / اورارتو نابود نشدند بلکه با این عناصر مهاجم در آمیختند. اگر چه آنها هویت قومی قدیمی خویش را تا اندازه‌زیادی نگاه داشتند، لیکن یک زبان جدید را که عضو مجزا و مشخص گروه هند و اروپایی است، پذیرفتند.

منابع پارسی و یونانی سخن خود را در باب "آرمنیا" و "ارمنیان" از حدود سال ۵۰۰ ق. م. آغاز می‌نمایند. ایشان تحت این عناوین برای داریوش‌وخشایارشا، پادشاهان بزرگ پارس و برای پدر تاریخ، هرودوت، شناخته شده بودند. بنابراین ما می‌توانیم سکونت مداوم ملت‌ارمنی در سرزمین " ارمنستان بزرگ " وپیوستگی مناطق و نواحی مربوط به قبل از سال ۵۰۰ ق.م. تا نابودی کامل همه جوامع موجود در ترکیه شرقی در سال ۱۹۱۵ را مورد تصدیق قرار دهیم. این خود بالغ بر یک دوره پیوسته ۲/۵ هزار ساله است.

امروزه شمار ارمنیان پراکنده در سرتاسر گیتی بین ۵ تا ۶ میلیون نفر بر آورد میشود. آنان همواره درجه عالی هوش و بصیرت خود را در معرض نمایش گذارده و در زندگی شغلی و حرفه‌ای خود قرین موفقیت می‌باشند. ایشان بصورت دانشمندان، ریاضیدانان، دکترهاودندانپزشکان اشتهار دارند. آنان در هنر و ادبیات پیشرو و پیشگامند. ارمنیان بیشماری در بین رهبران ارکستر و سولیستها، کارگردانان فیلم، مجسمه سازان و مُذّهبان کتاب به چشم میخورند. آنان علیرغم تاریخ مصیبت‌بارشان بخاطر اخلاق حسنه‌و خوش مشربی خود دارای نامی نیکو هستند و اکثر شوخی‌های سیاسی در اتحاد شوروی به رادیوی ایروان منتسب است. ارمنیان آشپزهای عالی بوده بخاطر میهمان نوازی خود مشهور هستند. آنان دوستان وفاداری‌هستند و رهبران نظامی متعددی داشته‌اند. بدگویانشان آنان را متهم به مرموزی، خودکامگی و آزمندی میکنند.

ارمنستان: قدرتی بزرگ

ارمنیان بطور قابل درکی از این نظر سرافراز و مفتخرند که کشورشان زمانی، گرچه فقط برای مدت چند نسل، در زمان پومپه و ژول سزار، قدرت بزرگی محسوب میشد. بزرگترین پادشاه ارمنی، تیگران دوم (یاتیگران بزرگ — م.) بود و او در اثناء سالهای ۹۵ تا ۵۵ ق. م. حکومت نمود. قلمرو او از دریای خزر مستقیماً در خاورمیانه تا سوریه و دریای مدیترانه کشیده میشد. با این وصف تیگران توسط ژنرال رمی لوکولوس، ترتیب دهنده مهمانی لوکولان توسط طلاهای ارمنیان مغلوب گردید. شکست‌های‌بعدی برای ارمنیان توسط پومپه اعمال گردید. این که پادشاه آرتاوازد دوم پسر تیگران یک مرد برجسته فرهنگی — ادبی بود و نمایشنامه‌هایی رابزبان یونانی تصنیف نمود و یک تئاتر یونانی در دربارارمنستان بنا نهاد، در حقیقت فاقد ارزش سیاسی است. آرتاوازد به آنتونی و کلئوپاترا (سوژه شکسپیر) حمله نمود که آرتاوازد را با خانواده‌اش به یغما برده‌و او را محکوم به مرگ نمود.

اگر ما قلمرو مسیحی پادشاه آبگار ادسا را که اکنون از بین رفته، مستثنی کنیم، ارمنیان وارمنستان قدیمیترین ملت‌و کشور مسیحی جهان محسوب خواهند شد. معرفی مسیحیت در ارمنستان به گریگور مقدس روشنگر منتسب است. گریگور پس‌از تحمل مشقات و شکنجه‌های بیرحمانه تیرداد سوم پادشاه بت‌پرست، ارمنیان را احتمالاً" بسال ۳۰۱ به آئین مسیح در آورد. مسیحیت مستقل از رم و قسطنطنیه، در ارمنستان اشاعه و گسترش یافت. بنابراین برخی تفاوتهای عقیدتی و اصولی نظری و عبادی وجود دارد. ولی این امر تاثیری بر ادعای کلیسای ارمنی برای ارائه یک آئین و رسوم صحیح انجیلی در شرق نزدیک ننهاده است. الفبای متمایز ارمنی در اوایل سده پنجم میلادی توسط مسروپ ماشتوتس مقدس ابداع شد (۹). قبلاً" تمام مدارک و نوشته‌های ادبی و رسمی به زبان یونانی و ایرانی میانه (۱۰) نوشته میشد. پیدایش کتابت ملی امکان ترجمه کتاب مقدس و اکثر آثار مهم ادبیات مسیحی را به زبان ارمنی فراهم نمود.

دوران ازهم پاشی:

ارمنستان تقسیم میشود

بنیانگذاری یک کلیسای ملی اهمیت حیاتی حفظ وحدت ملی ارمنیان را به اثبات رسانید. فشارهای سیاسی چنان بود که بدون کلیسای مسیحی، ارمنیان مدتها پیش باهمسایگان خود در آمیخته و مستحیل میشدند. تصمیم

۹ — بسال ۴۰۶ میلادی — م.

۱۰— منظور پارسی میانه یا پهلوی است — م.

سرنوشت‌ساز سیاسی در سال ۳۸۷ میلادی گرفته شد، وقتی که رومیان و پارسیان، ارمنستان را میان خود تقسیم کردند، در سال ۴۲۸ میلادی آخرین پادشاه [11] خاندان ارمنی ـ پارتی اشکانی بدون جانشین بدرود حیات گفت. اشراف فئودال " ناخارار " برای کسب عالیترین قدرت به رقابت پرداختند. یزدگرد پادشاه بزرگ و زرتشتی پارس از هیچ اقدامی برای توقیف و نابودی مسیحیت مضایقه نکرد. لذا در سال ۴۵۱ با سپاهی گران شامل دسته‌های فیل به ارمنستان لشکر کشید [12]. خلفای عرب بعدها جانشین سلطه پارسیان شدند که حکمرانان خود (از جمله شخصی بنام بغای ترک) را برای تاخت و تاز و چپاول به این سرزمین میفرستادند.

امپراتوران بیزانسی نیز ارمنستان را مزاحم و مسئله‌ای دشوار یافتند. آنان هزاران ارمنی را به تراس و مقدونیه تبعید میکردند. با این وصف امپراتوران متعدد بیزانس خودشان ارمنی بودند، از جمله بازیل اول (۸۶۷ – ۸۸۶) برجسته و لئوی ارمنی (۸۱۳ – ۸۲۰) مقتدر ولی غیر محبوب را میتوان نام برد که یک مورخ یونانی راجع به او مینویسد: "او از کشور ارمنیان آمده و مطابق برخی نظریات سرسخت و بد خو بود". یک امپراتور دیگر ارمنی بنام هوانس چمشکیک [13] (۹۶۹ – ۹۷۶) یکی از برجسته‌ترین فاتحین بود که بر تخت پادشاهی قسطنطنیه جلوس نمود. در اثناء سده نهم، سلطنت مطلقه ارمنی بوسیله سلسله باگراتونی احیا شد که پایتخت آنرا هنوز می‌توان در آنی (بصورت ویرانه) در مرز ترکیه و ارمنستان شوروی مشاهده نمود. [14] یک سلسله دیگر ارمنی در استان واسپوراکان در جنوب وجود داشت. [15] یکی از حکمرانان آن یعنی پادشاه گاگیک کلیسای مشهور آغتامار را در جزیره‌ای واقع در دریاچه وان بنا نمود. این رقیب حکومت مطلقه و مستقل ارمنی دوران کوتاهی پا برجا بود. در سال ۱۰۴۵ یونانیان آنی را متصرف شده، باگراتونیان را برانداختند. با این وصف ترکان سلجوقی پس از چندی از آسیای مرکزی و ایران به این سرزمین رخنه کردند و آنی و اکثر مناطق آناتولی را در ۱۰۶۴ چپاول نمودند.

۱۱ـ پادشاه آرتاشس پسر ورامشاپوه ـ م.

۱۲ ـ در تاریخ این جنگ به نبرد وارتان یا آوارایر مشهور است که در طی آن پارسیان موفقیت نظامی و اما ارمنیان موفقیت معنوی بدست آوردند ـ م.

13-John Tzimiskes

۱۴ ـ پادشاهی باگراتونی از سال ۸۸۶ تا ۱۰۴۵ میلادی به حیات خود ادامه میداد ـ م.

۱۵ ـ پادشاهی آرزرونی در واسپوراکان ـ م.

آوارگی بزرگ

مهاجرت ارمنیان از میهن بصورت سیلی درآمد. ارمنیان موفق به تاسیس یک پادشاهی جدید در کیلیکیه (۱۰۸۰ – ۱۳۷۵) با پایتخت سیس شدند. آنان در آنجا متفقین با ارزش صلیبیان گشتند و آخرین پادشاه ارمنستان کیلیکیه، لئون پنجم لوسینیان بسال ۱۳۹۳ در پاریس در حال تبعید بدرود حیات گفت. شماری از ارمنیان، دریای سیاه را برای یافتن مناطق تجاری در کریمه طی نمودند. آنان از آنجا به روسیه، رومانی و لهستان رفتند. ارمنیان نقش مهمی در احیاء حکومت ملداوی پرنس آلکساندر نیکو (۱۴۰۱ – ۱۴۳۵) ایفا نمودند در حالیکه هوانس شجاع حکمران ملداویا (۱۵۷۲ – ۱۵۷۴) خود یک ارمنی بود. در لهستان، ارمنیان در زندگی تجاری و معنوی مقامی بس والا در کراکو و لووف داشتند، در شهر اخیر آنان کلیسای جامع کاتولیک ارمنی را بنیان نهادند.

سقوط قسطنطنیه بدست ترکان عثمانی در سال ۱۴۵۳ بوقوع پیوسته آنگاه تقسیم جدید ارمنستان بزرگ، اینبار بین سلطان‌های عثمانی و شاهان صفوی ایران صورت گرفت. ارمنیان امپراتوری عثمانی همچون یونانیان در جامعهٔ خودگردان یا ملت (Millet) خویش متشکل شده بودند. رهبر جامعه ارمنی، بطریق قسطنطنیه بود که در قبال سلطان ترک و وزیر اعظم مسئول بود. مقام بطریق گهگاه در مناقصه به عالیترین پیشنهاد کننده واگذار میشد. جامعه ارمنی در طول کثر دوره‌های حکومت عثمانی توسط برگزیدگان منجمله تجار و مقامات عالی‌رتبه اداره میگردید. در جایی دیگر از قلمرو پهناور عثمانی، مقر بطریق ارمنیان در بیت‌المقدس که از نظر مذهبی دارای رتبه عالی‌تر امور کلیسایی و روحانی بود توسط سیاست فاسدعثمانی تضعیف میشد. و با تاسی از مورخ جدید، پرفسور آ. سانجیان چنین اظهار میشد که همان نام دلیلی بر ننگ و خفت شهر مقدس بود. با این وصف دولت عثمانی از استعداد و نیروی ارمنیان چون بانکداران و مدیران سود می‌برد. تا قبل از رویدادهای مصیبت‌بار سده نوزدهم، جامعه‌ارمنی بعنوان "ملت وفادار" شناخته میشد. در اوایل سده هفدهم شاه عباس بزرگ پادشاه ایران هزاران ارمنی را که اکثرا" از ساکنان دشت آرارات بودند به پایتخت خود اصفهان کوچانید. آنان در آنجا مهاجرنشین جلفای نو را با کلیسای جامع و چندین‌کلیسای زیبا بنا نهادند. ارمنیان از ایران به هندوستان، سنگاپور، جاوه و بعدها به استرالیا رفتند.

بخش دوم
عصر کشتارها

در اثناء یک ربع قرن حد فاصل سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۲۰ نژاد ارمنی یک و نیم میلیون نفر را بر سرنیزهها و در معرض آماج گلولهها، توسط گرسنگی تعمدی، محرومیت و ناخوشیهای همهگیر از دست داد. حدود یک سوم از ارمنیان جهان به فجیع ترین و دردناکترین وجه جان خود را از دست داد. این فاجعه ملی را میتوان با رنجها و محنتهایی که یهودیان از دست رژیم هیتلر کشیدند مقایسه نمود. امروزه در سال ۱۹۷۶ هیچ خانواده ارمنی وجود ندارد که از خاطره اسفناک این قتلعام بری باشد. این مسئله همواره مورد بحث مطبوعات ارمنی است و وحشت و ترس از اتفاق چنین فاجعهای را در سالهای بعد گوشزد میکند.

سدهٔ نوزدهم: ارمنیان در ترکیهٔ عثمانی

ارمنیان در امپراتوری عثمانی چهار طبقه وسیع را تشکیل میدادند. نخستین طبقه ثروتمندان و افراد صاحب نفوذ در دولت و خدمات شخصی را شامل میشد. دومین طبقه را تجار و بازرگانان استانبول و شهرهای آناتولی تشکیل میدادند؛ اینان طبقهای بودند که سیاحان غربی اغلب با آنان در تماس قرار داشتند. رعایا و دهقانان سومین طبقه را تشکیل میدادند که وسیعترین طبقه بود و کمتر مورد توجه قرار میگرفت، به استثناء برخی سیاحان دانشمند چون اچ. اف. بی ـ لینچ (H.F.B.Lynch). چهارمین طبقه را رزمندگان کوهستانها تشکیل میدادند که در استحکامات کوهستانی دور دست نظیر زیتون دارای زندگی مستقل و سرسختانه و پردوام بودند. بعلاوه کشیشها و روحانیون متعددی نیز وجود داشتند.

چند نفر ارمنی در ترکیه میزیست؟ در این مورد هیچگونه آمار موثق جمعیتی وجود ندارد. اوبیسینی (۱۸۵۴) رقم ۲/۴۰۰/۰۰۰ را میدهد و اضافه میکند که آنان در استانهای ارضروم (که شامل قارص، بایزید و چلدر میشد) و در کردستان (وان، موش، حکیاری و دیار بکر) دارای اکثریت بودند. در سال ۱۸۸۲ مقر بطریق ارمنیان در قسطنطنیه رقم تقریبی تعداد ارمنیان را ۲/۶۶۰/۰۰۰ نفر اعلام نمود که از آنان ۱/۶۳۰/۰۰۰ نفر در " شش ولایت (ارمنی) " ـ استانهای سیواس، معمورةالعزیز، ارضروم، دیار بکر، بیتلیس و وان ـ زندگی میکردند. آمار بعدی مربوط به سال ۱۹۱۲ است که رقم کل ۲/۱۰۰/۰۰۰ را نشان میدهد؛ که این تنزل بعلت کشتارهای دهه ۱۸۹۰ و مهاجرت مداوم سکنه ارمنی به قفقازیه روسیه بود.

دولت ترکیه عثمانی از اکثر شهرنشینان ارمنی خود تا نیمه دوم سده نوزدهم سود برده بود. تا آن زمان اکثر مناطق کشور تحت نظارت فئودالهای بزرگ محلی کرد قرار داشت. آنگاه که دولت مرکزی دست به تجاوز و تخطی میزد تقریبا " همواره نتیجه بدی ببار میآورد؛ این به معنی مالیاتهای اضافی بر دوش رعایا و تشدید ستم و اجحاف و وجود عوامل و ساختارهای ضد دهقانی در سیستم بود. ارمنیان " ارمنستان ترکیه " (یعنی ترکیه شرقی کنونی) یک مسئله اضافی نیز برای مواجهه داشتند. آنان با ساکنان وسیع کرد در آمیخته بودند (رجوع شود به MRG گزارش شماره ۲۳: کردان). این کردان که اصلشان مربوط به مناطق جنوبیتر بود برای دفاع از مرزهای ترکیه با ایران، در سده شانزدهم توسط سلطان سلیم، در آنجا اسکان داده شدند. کردان اکثرا " مسلمانان معتقدند. گرچه متعصب نبودند ولی غریزه و میل به چپاول و دزدیدن دختران ارمنی در میانشان شدیدا " قوی بود. بعلاوه کردان مسلح بودند در صورتیکه ارمنیان بعنوان نژاد مسیحی تابع، از حق داشتن و حمل اسلحه محروم بودند.

ارمنیان کم کم تحت زور و فشار به خارج رانده میشدند. در سال ۱۸۳۹ کنسول برانت گزارش داد که " در سرتاسر دشت موش هیچ دهقان مسلمان در آمیخته با ارمنیان وجود ندارد "، ولی در طول چند دهه آنان در سرزمین خویش بصورت اقلیت در آمدند و عجیب اینکه ارمنیان برخی اوقات شدیدا " به کردان که بعنوان نزولخواران عمل میکردند و ماهانه بهرهای میان ۲٪ تا ۴٪ کسب میکردند، بدهکار و مرهون میگردیدند.

نهضت اصلاحاتی سده نوزدهم در ترکیه عثمانی که به " تنظیمات " یا تجدید حیات مشهور است، هیچگونه اثر مثبتی بر زندگی ارمنیان نگذارد، بدین علت اصلی که اداره امور داخلی امپراتوری هنوز تجدید سازمان نیافته بود، و این امر قابل بحث است که " تنظیمات " وسیله کوچکی بود که برای آرام ساختن فشار سیاستمداران اروپائی بر " مرد بیمار اروپا " برای انجام برخی اصلاحات ظاهری تنظیم گردیده بود.

ارمنستان و قدرتهای بزرگ

ارمنیان در قبال آزادی یونان در سالهای ۱۸۲۰ از خود غمخواری، همدردی و دلسوزی نشان دادند. ارمنیان همچون اسلاوهای بالکان امیدوار بودند که امپراتور

ارتودوکس روسیه ایشان را از دست آن کافر و بیدین آزاد خواهد نمود. آنان تصور و خیال ساده لوحانه و اغراق آمیزی هم در مورد قدرت روسها و هم خیرخواهی آنان در سر می‌پروراندند. در سال ۱۸۰۱ روسها از قفقاز گذشته گرجستان را ضمیمه کشور خود ساختند؛ آنان در ۱۸۲۷ ارمنستان ایران را بتصرف در آوردند و به ارمنستان ترکیه تا ارضروم پیشروی کردند؛ در اثناء جنگ کریمه آنان قارص را متصرف شدند. تا سال ۱۸۶۴، روسها چرکسهای مسلمان را تحت انقیاد درآوردند، که ۶۰۰/۰۰۰ نفر از آنان ترجیح دادند تحت عنوان "مهاجر" به ترکیه کوچ کنند. روسها با ادامه مسیر خود به سمت آسیای مرکزی، خیوه، کوکند، سمرقند، بخارا و تاشکند را تحت سلطه خویش در آورده و در این بین هزاران ترکمن را کشتند.

اگر ما بیادآوریم که سلطان عثمانی بعنوان خلیفه و فرمانده وفادار شناخته شده بود و اینکه ترکان آسیای مرکزی برادران خونی عثمانیان بودند، میتوانیم پی‌ببریم که این وقایع چرا باعث چنین خشم و آزردگی در استامبول گردید. اقلیت‌های مسیحی نظیر یونانیان، بلغارها و ارمنیان که برای پیروزی روسیه دعا میکردند واضحترین نشانه و هدف برای انتقامجویی وتلافی ترکان بودند بویژه آنکه این مسیحیان اغلب ثروتمندتر و موفق‌تر از توده ساکنان مسلمان بودند (این امر بیشتر مربوط به جمعیت شهری بود و دهقانان ارمنی اکثرا" فقیر بودند). در سالهای ۷۸ - ۱۸۷۷ روسها بلغارستان را آزاد ساختند و قسطنطنیه را هم تقریبا" تصرف نمودند. ارمنیان امیدوافری برای آزادی و یا حداقل خودمختاری در حکومت عثمانی داشتند. آنان در سال ۱۸۷۸ یک هیئت نمایندگی موثر به کنگره برلین فرستادند.

امیدهای ارمنیان تا حد زیادی توسط دیسرائیلی، نخست‌وزیر بریتانیا عقیم و بی‌نتیجه‌ماند. برای سیاستمدار محافظه کار سال ۱۸۷۸، پیشروی روسیه به سمت بالکان و شرق نزدیک همانقدر غیر قابل قبول بود که ترقی و ارتقاء قدرت روسیه به سطحی معادل نیروهای خودشان. ماده غیر عملی ولی خوش نغمه‌ای در معاهده برلین گنجانده شد که قدرتهای غربی را متعهد میساخت تا از ارمنیان در قبال سوء حکومت و بدرفتاری ترکان حمایت کنند. شش نفر کنسول بریتانیایی با ماموریت‌ها و وظایف غیرممکن اداره منطقه‌ای به بزرگی انگلیس و ویلز تعیین شدند بدون آنکه وسیله‌ای برای اعمال و اجرای اختیارات متزلزل و غیر مشخص خود داشته باشند. ارمنستان بی یار و یاور و همچنان تقسیم شده میان روسیه و ترکیه باقی ماند. با این وصف دیسرائیلی قبرس را زیرکانه از دست سلطان عبدالحمید (۱۸۷۶ - ۱۹۰۹) به بهایی ارزان غصب نمود. گناه بریتانیا در این "معامله" بعدها توسط لوید جورج برسمیت شناخته شد. در کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹ نخست‌وزیربریتانیا با پشیمانی یادآور شد که دولت محافظه‌کار سال ۱۸۷۸ "اصرار نموده بود تا ارمنیان آزاد شده یکبار دیگر پس‌از اینکه توسط سلاحهای روسی آزاد شدند تحت حکومت ترکان قرار گیرند".

مواد مبهم نشست برلین منجر به اتهامات متقابل بیشمار طرفین گردید. به سفرای موفق بریتانیا وظایف غیر ممکن و غیر عملی "اصلاح" نحوه اداری حکومت سلطان محول گردید، مثل اینکه حاکم مطلق و متکبر عثمانی بصورت راجه‌ای هندی در تحت حکومت "صاحبان مقتدر" در آمده. یک تصویر مضحک سیاسی در نوامبر ۱۸۷۹، سر هنری لایارد مامور سیاسی بریتانیا را نشان میدهد که بطرف سلطان عبدالحمید فریاد میزند: "اعلیحضرتا باید اصلاحات کنید!" سلطان پاسخ میدهد: "باید!؟ پس‌آیا یک صدر اعظم دیگر در انگلیس وجود دارد؟". سفیر بریتانیا میگوید: "خیر. ولی یک انتخابات عمومی در شرف انجام است".

لافزنی‌ها و ندانم‌کاری‌های سیاستمداران بریتانیایی و اروپائی در آن روزها باعث بدتر شدن شخصیت فاسد وجنون‌آمیز سلطان عبدالحمید گردید. سلطان و وزیرانش مسئله ارمنی را تنها بهانه‌ای برای دخالت بریتانیا و روسیه در امور داخلی عثمانی تلقی میکردند و این امر باعث گردید تا آنان راه حلی یافته و از سقوط و فروپاشی امپراتوری جلوگیری نمایند. این مسئله نیز تصادفی نیست که دربار ترکیه هر چه بیشتر به سمت برلین پایتخت آلمان جذب میشد جایی که بیسمارک و بعدها قیصر ویلهلم دوم اعلام میکردند که "زورت بیش است حرفت پیش است".

جنبش انقلابی ارمنی

گرچه زندگی بطور قابل تحمل وحتی غبطه‌آور ادامه می‌یافت و آن بخاطر ارمنیان ثروتمند شهرهای بزرگ امپراتوری عثمانی بود، لیکن حل مسئله ولایات شرقی از بد به بدتر گرائید. بجای اصلاحات اداری، فشار و ستم و ظلم توسط مقامات محلی شدیدتر گردید. عبدالحمید کردان را مسلح نمود و آنان را برای حمله به روستاهای ارمنی‌نشین ترغیب کرد. این امر با تشکیل هنگهای حمیدیه در سال ۱۸۹۱ اوج گرفت. اینان ساکنان غیر مسلح و ساده‌را مورد ضرب و شتم قرار داده باعث ایجاد رعب و وحشت گردیدند، دقیقا" نظیر آنچه که دستجات قزاق در روسیه در اثناء آخرین سالهای موجودیت تزاریسم

انجام میدادند. ارمنیان ناامیدانه به تشکیل گروههای مقاومت زیرزمینی و انجمنهای مسلح انقلابی همت‌گماردند. اولین اینها آرمنا کانهای وان (۱۸۸۵) و متعاقبا" هونچاکها (تاسیس ۱۸۸۷ در ژنو) وداشناکها (۱۸۹۰ ،تفلیس) بودند. دو گروه اخیر سوسیالیست انقلابی بودند و ازکمیته‌های روسی نظیر "نارودنایا ولیا" (۱۶) الهام گرفتند. داشناکها اغلب بر علیه ارمنیان ثروتمند و محافظه‌کار که از حمایت دادخواهی آنان امتناع می‌ورزیدند دست به ترور مسلحانه میزدند؛ آنها با برخی توجیهات مدعی بودند رژیمهایی که ایشان بر ضدشان فعالیت میکردند به مراتب دد منش تر و تروریست‌تر از تهدیدهای خودشان بودند. (۱۷)

در اوایل دهه ۱۸۹۰ این گروهها به مبارزه طلبی مسلحانه مقامات ترک پاسخ گفته و پرچم شورش می‌افراشتند. و مردم را به انقلاب فرا میخواندند. لیکن اولین اقدام پر اهمیت توسط هونچاکها در سال ۱۸۹۴ صورت گرفت و آنها ارمنیان ساسون واقع در ارمنستان ترکیه را به مبارزه بر علیه هم دولت عثمانی و هم خانهای محلی کرد برانگیختند. دو رهبر انقلابی میهران دامادیان و هامبارسوم بویاجیان بترتیب معلم و دکتر بودند.

سلطان عبد الحمید و کشتارهای ۹۶-۱۸۹۴

قیام ساسون توسط ارتش منظم عثمانی به وحشیانه ترین وجه سرکوب شد و با اعتراض بین‌المللی روبرو گردید. فشار خارجی سلطان را به تشکیل کمیسیونی متشکل از نمایندگان بریتانیا، فرانسه و روسیه بعنوان ناظر واداشت. عبدالحمید قول انجام اصلاحات را داد، ولی کشتارهای مکرر اکتبر - دسامبر ۱۸۹۵ در سرتاسر ارمنستان ترکیه ادامه یافت و ناظران بیطرف از جمله کنسول بریتانیا همدستی و دخالت حکومت را تقریبا" در تمامی آنها متذکر شدند. قبل از این کشتارها، هونچاکها راهپیمایی و تظاهرات عظیم و خشونت‌آمیزی را در استامبول ترتیب دادند که این خود بهانه‌ای بدست مقامات برای کشتار مردم ارمنی داد.

در این کشتارها حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر ارمنی جان باختند. شاید بیرحمانه‌ترین آنها دومین کشتار اورفا در ۲۸ - ۲۹ دسامبر ۱۸۹۵ بود. حدود ۳۰۰۰ مرد، زن و کودک ارمنی به کلیسای خود پناهنده شده بودند لیکن جوخه‌های مسلح پس از چندی وارد آنجا شدند. پس از تیراندازی به سوی بسیاری از قربانیان غیر مسلح و کشتار آنان، ترکها روی آنان کاه و پوشال جمع کرده و نفت ریختند و آنگاه به آتش کشیدند. کنسول فیتز موریس بعدها نوشت: "*تیرهای عمارت و قابهای چوبی، پس از چندی آتش گرفت و در نتیجه پله‌های منتهی به سرسرای حاوی اشیاء قابل اشتعال مسدود گردید، آنها توده‌های انسانهای در حال تقلا و کوشش برای حفظ جان را همچنان رها کردند تا قربانی شعله‌های آتش گردند. در مدت چند ساعت دود و بوی تهوع‌آور گوشت وبدن کباب شده قربانیان شهر را فرا گرفت و حتی امروز نیز که دو ماه و نیم از این کشتار میگذرد، بوی بقایای گندیده و زغال شده در کلیسا غیر قابل تحمل است*".

انقلابیون ارمنی با ناامیدی چنین تصمیم گرفتند تا قدرتهای اروپائی امضاء کننده معاهده برلین در سال ۱۸۷۸ را مجبور به مداخله نمایند. در ماه اوت ۱۸۹۶ یک گروه مسلح داشناک بانک عثمانی را در قسطنطنیه تصرف نمود و تهدید کرد که در صورت عدم انجام خواستهای سیاسی‌شان آنجا را منجفر میکنند. ولی پس از سیزده ساعت اشغال بانک، تسلیم شده و آنچه آنان بدست آوردند این بود که سالم از کشور خارج شدند. با این وصف آنان خوشبختر بودند، زیرا وقتی که کشور را ترک کردند سلطان مجددا" دست به سازماندهی کشتار ارمنیان در خیابانهای پایتخت زد یعنی دقیقا" در پیش چشم سفرای خارجی. اکثر آنانی که‌کشته شدند ارمنیان طبقه فقیر - کارگران مهاجر، باربرها، کارگران بارانداز و مستضعفین بودند.

لرد سالیسبوری با فشار گلادستون و دیگران برای مداخله، اظهار داشت که ناوهای رزمی بریتانیا متاسفانه قادر به فعالیت در کوههای توروس نبود. قدرتهای اروپایی در مورد تقسیم احتمالی امپراتوری عثمانی و یا حتی خلع ید اجباری سلطان خون‌آشام به بحث نشستند. ولی رقابت و سوء اطمینان دو طرفه و مبالغ هنگفتی که برخی از آنها در اقتصاد امپراتوری عثمانی سرمایه‌گذاری کرده بودند آنان را از انجام هرگونه اقدام موثر و مثبت

---

۱۶ - نارودنایا ولیا به معنی آزادی مردمی و آن جنبش انقلابی نارودینک بود که در سالهای ۸۰ سده نوزدهم در روسیه ایجاد شد. اینان خود را سوسیالیستهای مردمی میدانستند و جامعه دهقانی مرکز عقیدتی آنان را تشکیل میداد در حالیکه نقش رهبری طبقه کارگر را در انقلاب رد میکردند- م.

۱۷ - پیش از تشکیل این احزاب سیاسی گروهها و اتحادیه های دیگری نیز تشکیل یافته بود از جمله: اتحادیه رستگاری (۱۸۷۲ در وان)، انجمن صلیب سیاه (۱۸۷۸ در وان)، انجمن مخفی جانبازان سرزمین اجدادی (۱۸۸۱ ارضروم)، انجمن حسن نیت (۱۸۶۸ - ۱۸۷۶)، انجمن فداکاری در راه سر زمین اجدادی (۱۸۷۴ - ۱۸۷۵) - م.

منع نمود.

ارمنیان در روسیهٔ تزاری

ارمنیان بطور کلی از پیروزی‌های روسها در قفقاز خوشنود بودند. یک طبقه متوسط صنعتی و اقتصادی در شهرهای بزرگی چون تفلیس در گرجستان و باکو در آذربایجان پیدایش و رشد یافت. در دوران قبل از حکومت شوروی، ایروان واقع در ارمنستان بصورت شهری فراموش شده باقی مانده بود. با این وصف در پایان سده نوزدهم جمعیت ارمنی قفقاز در مقابل ساکنان شهری (۳۵%) اکثرا" روستایی (۶۵%) بود. اکثریت جمعیت شهری به طبقه کارگر و تهیدست وابسته بود.

در سال ۱۸۳۶ حکومت تزار حکمی را دال بر اجاره حفظ زمینها و اراضی برای کلیسای ارمنی و تام الاختیاری مدارس ارمنی صادر نمود. ولی در اثناء دهه ۱۸۸۰ الطافی که نسبت به ارمنیان صورت گرفته بود بتدریج بر باد رفت. یکی از علل آن ترور تزار آلکساندر دوم در سال ۱۸۸۱ ودر نتیجه انفصال از خدمت رئیس الوزراء آزادیخواه، کنت لوریس ملیکف ارمنی بود. در سال ۱۸۸۴ مقامات روسی کلاسهای عالیه مدارس ارمنی را تعطیل کردند؛ در ۱۸۹۷ وقتی که پرنس گولیستین، نایب‌السلطنه قفقاز گردیده بود، کلیه مدارس را تعطیل نمود. این اعمال گستاخانه،از تعداد ارمنیان شاغل در امور شخصی و غیر دولتی کاست. سپس گولیستین نقطه مرکزی و اصلی ملت ارمنی یعنی کلیسای حواریون (گریگوری) را هدف قرار داد. مقامات تزاری با فرمان ژوئن ۱۹۰۳ کلیه مایملکات کلیسای ارمنی را ملی اعلام کردند. وقتی‌که روحانیون مخالفت و مقاومت کردند، پلیس روسیه اچمیادزین مقدس را اشغال کرد. بورژوازی که تا آن زمان رفتار خصمانه‌ای داشت، از انقلابیون ارمنی حمایت نمود. رعب و وحشت قزاقها به تیراندازی و بمب‌گذاری توسط ارمنیان منتهی شد.

در حین انقلاب ۱۹۰۵، حاکم باکو، تاتارهای محلی را به کشتار چهار روزه ارمنیان ترغیب نمود. چنین شرارتها و زیاده‌رویهایی نیز در مناطق گوناگون ماوراء قفقاز بوقوع پیوست. در سپتامبر ۱۹۰۵، خشونتهای توده‌ای به آتش کشیده شدن بسیاری از حوزه‌های نفتی باکو منجر گردید. بعدها ارمنیان ابتکار عمل را بدست گرفته تاتارها را با مصائبی بدتر روبرو ساختند. این برخوردهای ارمنی ـ تاتار قدر و احترام حزب انقلابی داشناک را نزد دهقانان‌ومحرومین والاتر نمود؛ داشناک‌ها تنها گروه مسلح و موثر برای حمایت از روستائیان و دهقانان بنظر میرسیدند، و قدرت نظامی حزب هرگونه سیاست ضد ارمنی تزاریسم را تلافی و عقیم کرده بود. با این وصف این برخوردهای شریرانه میراث و جای پای خصمانه و انزجار آمیزی میان ارمنیان وتاتارها بجای گذارد.

درست قبل از آغاز جنگ جهانی اول، تزار نیکلای دوم به جنگ خود علیه ناسیونالیسم ارمنی ادامه داد. درسال ۱۹۱۲، گروهی از ارمنیان ناسیونالیست به سیبری تبعید شدند. دیگران به بلشویکهای لنین پیوستند. از جمله آنها باید استپان شاهومیان یکی از کمیسرهای بد فرجام و بد عاقبت باکو، کامو (در پتروسیان) یک بانک زن مشهور انقلابی، و آ. ای. میکویان سیاستمدار پرسابقه شوروی را نام برد.

طلوع کاذب: ارمنستان وانقلاب جوان

انقلاب ترکان جوان در سال ۱۹۰۸ قدرت مطلق سلطان عبدالحمید را از میان برداشت و قانون اساسی ۱۸۷۶ را دگربار برپا ساخت. در ابتدا روحیه و احساس عظیم آزادیخواهی و برادری در میان ناسیونالیستهای امپراتوری حاکم بود؛ داشناکهای ارمنی با ترکان جوان همکاری نزدیکی در پایه ریزی مراحل انقلاب داشتند و سالها پس‌از آن بعنوان متحدی برای ایشان، باقی‌ماندند.

هنوز یک سال نگذشته بودکه روابط به تیرگی گرائید. در سال ۱۹۰۹کشتار شدید ارمنیان آدانا بوقوع پیوسته ۳۰/۰۰۰ نفر قربانی بجای گذاشت. این مطلب روشن نیست که در پس پرده این حادثه خون‌آشامانه ترکان جوان قرار داشتند یا هواداران عبدالحمید مخلوع. انقلاب ترکان جوان پس از چندی مبدل به دیکتاتوری مطلق‌گردید و سیاست حکومت حزبی " ترکان عالی‌تر از دیگر ملیت‌ها " در پیش گرفته شد. سفیر بریتانیا این سیاست را در سپتامبر ۱۹۱۰ بصورت " کوبیدن عناصر غیر ترک در هاون ترکی " بیان نمود. مطلبی که با حکومت ۱۹۷۶ ترکیه کاملا" مصداق می‌یابد.

درهمان زمان یک ایدئولوژی ناسیونالیستی ترک در حال تکوین و تشکیل بود که قرار بود مفهومی جدی و عظیم و خطرناک برای ارمنیان داشته باشد. این پان‌ترکیسم یا پان ـ تورانیسم بود، اصولی که حتی امروزه نیز مردان زبردست و استاد نیرومند بسیاری در محافل حکومتی ترکیه در خود دارد. سرژ زنکوسکی این ایدئولوژی را چنین بیان میکند: " اولا" ترکهای عثمانی مجبور بودند قدرت خود را در سرتاسر امپراتوری تحکیم بخشند و اقلیتها را در عنصر ترک مستحیل نمایند. ثانیا" در مرحله بعدی خویشاوندان ترک زبان و نزدیک ترکان عثمانی یعنی آذربایجانیان روسیه و ایران (مردم ترک زبان جنوب شرقی) ـ قرار بود در حکومت ترکها گنجانده شوند. مرحله سوم، متحد و یکپارچه ساختن تمام خلقها تورانی آسیا در گرد یک مرکز ثقل ترکی بود".

تذکره نویس ضیا گوکالپ از پان ترکیست‌های برجسته اظهار میدارد: " گوکالب، خالد ادیب و همکارانشان یکپارچگی تمام ترکان در زیر حکمرانی واحد را آرزو میکردند کسانی که روزگار آتیلا، چنگیزخان یا تیمور لنگ را احیا می‌نمودند". پان ترکیسم مفهومی بس سیاه برای ارمنیان داشت. آنان در بین اقلیتهای امپراتوری سرسخترین عنصر در برابر ترک شدن بوده و به کلیسای باستانی خود بعنوان سمبولی برای این مقاومت و مبارزه وفادار ماندند. بعلاوه هموطنان ارمنی آنها در قفقازیه روسیه در معرض " دومین مرحله " پان ترکیسم ـ گسترش و پیشروی بسوی باکو شهر نفتی کنار خزر ـ قرار داشتند.

این فرضیات نظری بسیار دور از تفکرات عقلانی و هوشمندانه و بی‌آزار، بود، حتی بیشتر از آن افسانه آریایی که رژیم آدولف هیتلر در سر می‌پروراند. ترکیه عثمانی تا سال ۱۹۱۴ توسط سه دیکتاتور ترک جوان اداره میشد و پان ترکیسم ایدئولوژی انور پاشا قدرتمندترین فرد در بین این سه نفر بود. طلعت دومین شخص از سه نفر، کمتر به نظریه‌پردازی مشغول بود ولی اقیانوسی از شقاوت و بی‌رحمی یک حاکم مطلق را در ساختار و حالات روحی خویش داشت. شخص سوم یعنی جمال مزاجی خوشخوتر داشت لیکن برای انجام اشد شقاوتها و ستمها مستعد بود.

جنگ اول جهانی و "حل نهائی" مسئله ارمنی

اغلب این امر توسط تاریخدانان ترک اظهار میشود که تبعید و جلای جمعی ارمنیان تحت فشار حکومت وقت ترکان جوان، انجام شد زیرا کلیه ساکنان ارمنی یک " ستون پنجم " خطرناک و هواخواه متفقین غربی و روسیه تشکیل داده بودند. این ادعا از نظر حقایق و وقایع کمترین ارزشی ندارد. شواهد متعددی در مورد وفاداری ارمنیان به امپراتوری عثمانی وجود دارد (نامنویسی و کمکهای ارمنیان به ارتش عثمانی بسیار قابل توجه و ذکر است)، با این وصف چهل سال اخیر به ارمنیان آموخته بود که نسبت به هر حکومت ترک که هیچ گواه و مدرکی دال بر تعلق و دلبستگی به آنان ارائه نداده بود محتاط و ملاحظه‌کار باشند.

مدت کمی قبل از اینکه جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۴ آغاز گردد، حزب داشناک کنگره مهمی در ارض‌روم تشکیل داد. در طی کنگره نمایندگان ترکان جوان وارد بحث شده به داشناکها پیشنهاد کردند که آنها باید در ماوراء مرز در قفقازیه روسیه شورش و فتنه بپا کنند. در عوض ترکیه برپایی یک ارمنستان خودمختار را در تحت حمایت خویش خواهد پذیرفت. داشناکها این طرح را رد کردند و در عوض پیشنهاد کردند که ترکیه باید در کشمکش و برخورد بیطرف بماند، ولی در حالتی که ترکیه به جنگ بپیوندد، به ارمنیان در هر کجا که باشند توصیه خواهد شد تا به وظایف خود بعنوان شهروندان عثمانی عمل کنند.

وقتی که جنگ آغاز گردید، اکثر ارمنیان ترکیه بعنوان شهروندان وفادار عثمانی عمل کردند. تقریباً " ۲۵۰/۰۰۰ نفر در ارتشهای عثمانی ثبت نام نمودند. وقتی که انورپاشا در ساری قامیش از روسها شکست خورد این سربازان ارمنی بودند که او را از خطر کشته شدن یا دستگیری توسط نیروهای تزاری نجات دادند. با این وصف برخی از ارمنیان از ترکیه به روسیه فرار کردند و به دستجات داوطلب که مورد حمایت و ترغیب مقامات تزاری قرار داشتند پیوستند. در کیلیکیه، رهبران ارمنی باعث شورشی بر علیه حکومت عثمانی شدند که به نتیجه نرسید.

بزودی وقایع روندی اسفناک یافت. ارمنیان ترکیه که در ارتش عثمانی خدمت میکردند، خلع سلاح شده و راهی اردوهای کار شدند جایی که متحمل گرسنگی، ضرب و شتم یا تیرباران میگردیدند. در روز ۲۴ آوریل ۱۹۱۵، دویست و پنجاه و چهار (۲۵۴) نفر از متفکران ارمنی در استامبول دستگیر شدند و به ایالات آیاش و چانکیری تبعید شدند، جایی که اکثر آنان بدست مقامات بقتل رسیدند.

جامعه ارمنی با محرومیت از نیروی فعال مردان خود (از ارتش) و متفکران و برگزیدگان، اکنون تقریباً " بدون رهبر باقی ماند و مقامات با خشم و غضب برایشان تاختند. در هر شهر و دهکدهٔ ارمنستان ترکیه و آسیای صغیر به کلیه ساکنان ارمنی فرمان ترک شهر و روستا داده شد. مردان را معمولاً " جدا نموده در خارج از دهکده‌ها تیرباران میکردند. سرنوشتی به مراتب تلخ‌تر در انتظار زنان و کودکان بود. آنها مجبور شدند بصورت قافله‌های عظیم بطرف جنوب، راهی صحراهای سوزان شمال سوریه شوند. افراد قلیلی از این پیاده‌روی وحشتناک و مرگبار جان سالم بدر بردند؛ ماهها پس از آن، جاده‌ها و راههای آناتولی مملو از نعش‌ها و اسکلت‌هایی گردید که مورد حمله کرکس‌ها قرار داشت. تفاوت‌های نسبی در این مناظر وجود داشت. در ترابوزان، ارمنیان محلی سوار قایق شده و یا از کشتی به دریای سیاه پرت میشدند. عده‌ای نیز بعلت پرت شدن به پائین در کماخ گرج در نزدیکی ارزنجان کشته شدند.

آنهایی که در سفر طولانی جنوب زنده ماندند در اردوهای بزرگ مرکزی و در هوای آزاد جمع شدند که

اسفناک‌ترین آنها در درزور سوریه واقع بود جایی که آنان متحمل گرسنگی شدید گردیده توسط محافظین بیرحم و شهوت‌ران کشته شدند. گروه کوچکی قادر شد تحت حمایت مخفیانه و صمیمانه عرب‌های رحیم روستاهای شمالی سوریه فرار کند. به غیر از این مورد تنها مسیرهای پناهندگی، راه طولانی روسیه یا بالکان بود، به استثناء این که فرار قابل ذکر دوهزار نفری روستائیان تحت محاصره موسی داغ درنزدیکی انطاکیه، توسط کشتی جنگی فرانسوی میسر گردید. این واقعه موسی داغ موضوع رمانی راتشکیل میدهد که توسط فرانس ورفل نوشته شده است.

این نژادکشی منظم و شدید در اثر تصمیماتی بوقوع پیوست که توسط بلندپایه‌ترین محافل حکومتی اتخاذ شده بود. طلعت پاشا وزیر داخله در صحبت با مورگنتاو سفیر آمریکا می‌بالید که مسئله ارمنی برای پنجاه سال به نیستی سپرده شد. لیکن خود حکومت وسیله‌ای برای انجام امیال حزب ترکان جوان یعنی " کمیته اتحاد و ترقی " بود، ایدئولوژی اصلی آنها پان‌ترکیسم بود. کشتارهای جمعی تنها جزئی از " حوادث پاکسازی " نبود. این کشتارها قبلا" اگر نگوئیم سالها، حداقل ماهها دقیقا" طرحریزی شده و بر روی آنها فکر و کار شده بود. این وقایع از تعصبات مذهبی هم منتج نگردید، اگر چه ترکان جوان تعصبات ذاتی ودرونی ملاهای روستاها و حرص و طمع فقرای ترک را برمی‌انگیختند. در حقیقت رهبران مسلمانی وجود داشتند که با مشاهده این اعمال هراسیده و بر علیه آنها به اعتراض می‌پرداختند.

چه کسی مرتکب کشتارها شد. در برخی موارد این‌ها ژاندارمهای معمولی بودند. حکومت نیز یک " سازمان ویژه " (تشکیلات مخصوصه) ترتیب داده بود که متشکل از جنایتکاران عادی بود که به شرط قبول ماموریت کشتار ارمنیان از زندانهای آناتولی غربی آزاده شده بودند.

چند نفر ارمنی کشته شد؟ ویسکانت برایس با صحبت درمجلس اعیان در ششم اکتبر ۱۹۱۵، رقم ۸۰۰/۰۰۰ را ارائه داده بود. کشتارها بطور وسیع در سال ۱۹۱۶ نیز ادامه یافت. تجاوز ترکیه به قفقاز روسیه در تابستان ۱۹۱۸ هزاران قربانی بجای گذاشت. ترکان سپس پناهندگان ارمنی را هدف سرنیزه‌های خود قرار دادند. وقتی که ارتش عثمانی باکو را در پائیز ۱۹۱۸ تصرف کرد، ۱۵/۰۰۰ ارمنی بقتل رسید. هزاران نفر پس از انقلاب اکتبردر اثر قحطی و طاعون جان خود را از دست دادند. بعدها در ۱۹۲۱ یک سرهنگ انگلیسی در ارض روم کمالیست‌ها را درحین ضرب و شتم و گرسنگی دادن به اسرای ارمنی تا سرحد مرگ، مشاهده نمود.

ما میدانیم که قبل از ۱۹۱۴ بیش از ۲ میلیون ارمنی در ترکیه زندگی میکردند، از جنگ اول جهانی به بعد این رقم به ۱۰۰/۰۰۰ رسید. بنابراین شمار ارمنیان کشته شده مطمئنا" حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفرمحسوب میشود. بقیه نیم میلیون نفر بصورت پناهندگان بی‌خانمان در آمدند که بازماندگانشان را با خاطرات پر مصیبت میتوان امروزه در اکثر کشورهای جهان پیدا نمود.

بخش سوم
صحنهٔ کنونی: رستاخیز یک ملت
ارمنستان مستقل ۱۹۱۸–۱۹۲۰

دوران بهبود و بازیابی ملت ارمنی حداقل بطور سمبولیک به اعلام استقلال جمهوری ارمنستان در ۲۸ مه ۱۹۱۸ برمیگردد. با این وصف پشتوانه این اعلان، یکی از حماسه‌آفرینی‌های برجسته است.

پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷، روسیه از جنگ اول جهانی کنار کشید. لنین و تروتسکی معاهده برست لیتوفسک را امضاء کردند که ملل قفقاز را در قبال ترکان و متحدین آلمانیشان تنها گذارد. ارمنیان شروع به تشکیل فدراسیونی با گرجیان و آذربایجانیان (تاتارها، آذری‌ها) نمودند ولی بزودی دریافتند که از پشت خنجر خورده‌اند، گرجیان معامله محرمانه‌ای با ترکان داشتند و قلعه نظامی استراتژیکی قارص را به دشمن سپردند. ارمنیان با رهبری ژنرالهای قهرمان و فرماندهان نظیر نازاربگوف، درو و آندرانیک ترکان را در ۲۲ – ۲۴ مه ۱۹۱۸ در سردارآباد شکست دادند. (۱۸) ترکان سپس ایروان را دور زده باکو را چند هفته قبل از اینکه امپراتوری عثمانی در متارکه جنگ مودروس در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸ تسلیم متفقین گردد، تصرف کردند.

به لطف حمایت اساسی بریتانیا، قلمرو ارمنستان مستقل، بطور قابل توجهی وسیعتر از جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان گردید، زیرا شامل قارص، آرداهان

---

۱۸ – نبرد سردار آباد در حقیقت ۲۲ تا ۲۶ ماه مه ۱۹۱۸ بوقوع پیوست و نبرد قره کلیسا از ۲۴ تا ۲۸ همان ماه ادامه یافت و به پیروزی ارمنیان منجر شد. دولت ارمنستان شوروی بنای یادبودی بخاطر این حماسه‌آفرینی تاریخی در ارمنستان برپا ساخته است – م.

و کلیه نواحی بود که امروزه ترکیه شرقی نامیده میشود. لیکن اوضاع اقتصادی اسفناک بود. صحنه قحطی و فقر در زمستان ۱۹ – ۱۹۱۸ به شدت وقایع ۱۹۱۵ بود. نیم میلیون پناهنده با لباس‌های ژنده یا گونی شکل در کشور آواره بودند و یا در غارها و پناهگاهها موقتی می‌لرزیدند؛ آنان قبل از اینکه مرگ ایشان را از فلاکت و بدبختی برهاند مجبور به علفخواری و یا جویدن استخوان انسانها بودند. **سرهاری لوک** مامور عالیرتبه بریتانیا در تفلیس، در شرح زندگی نامه خود، **شهرها و مردان** گزارش و شرح بینّی را درمورد سه دیدارش از ارمنستان در آن دوران بحرانی ارائه میدهد. در اکتبر ۱۹۱۹، او تنها چهل افسر و سرباز با یونیفورمی که برهنگی بدنشان را می‌پوشانید در ایروان یافت؛ یک دسته نظامی ملبس به پوشاک مندرس با شجاعت شعار "خدایا پادشاه رانگهدار" سرمیدادند. لوک ادامه میدهد: " شهر ویران و به هم ریخته‌و پر از پناهندگان گرسنه از ارمنستان ترکیه بود؛ درهرروز از مدت اقامتمان این مردم بدبخت را می‌دیدیم که از فرط ضعف، کم خونی و بی‌غذایی در کنار خیابانها می‌غلطیدند و می‌مردند. حکومت بد اقبال حداکثر کوششهای خود را برای این انسانهای بیچاره انجام داد، ولی آنها نه افراد مورد نیاز و نه‌منابع مالی و تدارکات را برای برآمدن از عهده نیازهای حتی بخش کوچکی از این آوارگان را در اختیار داشتند".

برای مدتی بیش از دو سال ارمنیان استقلالشان را بی‌اغراق " چون مرگ شوم " حفظ کردند. آنان برای " انتظارات بزرگ " خود حقانیت قایل بودند. در بیستم دسامبر ۱۹۱۷، **لوید جرج** در پارلمان سخنرانی داشت که ارمنستان را بصورت کشوری غرق در خون بیگناهان توصیف نموده و اعلام داشته بود که ستمگری‌های ترکان هرگز قابل جبران نخواهد بود. در تابستان ۱۹۱۸ لوید جرج بار دیگر اعلام کرد که بریتانیا مسئولیت‌هایش را در قبال ارمنیان فراموش نخواهد کرد؛ رهبران فرانسه نیز قولهای مشابه دادند. **وودرو‌ویلسون** رئیس جمهور آمریکا همدردی عمیق شخصی نسبت به مسئله ارمنی داشت. در دوازدهمین ماده از چهار ماده، او اظهار میدارد" به ملیت‌های دیگر که اکنون تحت حکومت ترکیه قرار دارند باید امنیت زندگی و فرصتی کاملا" بدون اخلال و ممانعت برای توسعه خود مختاری خود داده شود".

رهبران ارمنی در پاسخ به این قولها و با ایده‌های بزرگ خود در مورد ارمنستانی که‌از دریای سیاه تا مدیترانه کشیده میشد، به کنفرانس صلح پاریس آمدند. این رویاها در " نقشه‌ویلسون " از ارمنستان که بسیار معروف است و سطح وسیعی از ترکیه شرقی و آناتولی مرکزی را شامل میشد دفن گردید. البته ضعف نمایان این برنامه این بود که بعلت فعالیتهای نژاد کشی ترکیه در سال ۱۹۱۵ برحمت یکصد و هزارارمنی از مناطق‌مختلف ترکیه‌جان سالم بدر بردند در حالیکه زمانی کاشانه دو میلیون ارمنی بود.

در طول سال ۱۹۲۰ اوضاع جهان تغییر نمود و گویی انجام قولهایی که از طرف نیروهای متفق به ارمنستان داده شده بود امری بی‌معنی می‌نمود. قوای بریتانیا قفقاز را ترک کردند و شوروی‌ها با ارتش **روسیه سفید ژنرال رانگل** در کریمه به تصفیه حساب پرداختند. پرزیدنت ویلسون در شرایط عدم سلامتی، با یک‌کنگره پر خصومت روبرو شد و در برابر سیاست انزواگرایی تعظیم نمود. ترکان تحت حکومت کمال آتاترک با عملیات غم‌انگیز ملی – تلافی جویانه خود جهان را مبهوت ساختند که این امر منجر به اشغال مجدد ازمیر در سال ۱۹۲۲ و تصفیه حساب با یونانیان تحت حمایت بریتانیا گردید.

ترکان سریعا" در کرملین با لنین به توافق رسیدند. در سپتامبر ۱۹۲۰ کاظم قره بگیر پاشا وزیر جنگ ترکیه به مرز قدیمی ۱۹۱۴ بین‌ترکیه و روسیه تجاوز کرد و به منطقه قارص تعرض نمود. بلشویک‌ها از آذربایجان حرکت نموده و در ایروان، جمهوری شوروی اعلام کردند (۲۹ نوامبر – ۲ دسامبر ۱۹۲۰). پس از مذاکرات عمیق در شب ۳۰ نوامبر حکومت داشناک تصمیم گرفت قدرت را بدون جنگ به بلشویک‌ها بسپارد؛ در مذاکرات اخیرآنان " فرار را برقرار " ترجیح دادند.

واگذاری قارص وآرداهان به ترکیه بالاخره در معاهده قارص (۱۳ اکتبر ۱۹۲۱) تثبیت شد. آنها زیرکانه در این معاهده شرط نمودند که منطقه نخجوان که جزولاینفک ارمنستان دوران سده‌های میانه بود و بعدها آذری‌های تاتار بطور وسیع در آنجا اسکان یافتند، باید به‌جمهوری شوروی آذربایجان با مرکز باکو، ملحق گردد. جمهوری شوروی سوسیالیستی خودمختار نخجوان توسط قلمروارمنستان کاملا" از آذربایجان شوروی جدا افتاده است و امروزه پس از نیم قرن منطقه محصوری میان ارمنستان شوروی وترکیه تشکیل میدهد. به همین ترتیب قره‌باغ، یک منطقه با ساکنان ارمنی وطن‌پرست از ارمنیان جدا ماند، و منطقه محصوری در آذربایجان شوروی است.

ارمنستان شوروی: وطنی ملی

جمهوری ارمنستان شوروی که در اواخر سال ۱۹۲۰ تشکیل یافت، زندگی خود را در شرایطی آغاز نمود که تفاوت چشمگیری با اوضاع اسفناکی که ارمنستان مستقل

تاسیس شده در کمتر از سه سال قبل از آن هنگام با آنها روبرو بود، نداشت. اوضاع اقتصادی تا حدودی در مقایسه با سال ۱۹۱۷ بهتر شده بود. برف سنگینی جاده‌ها را مسدود ساخته ارتباط ارمنستان با جهان خارج قطع شده بود. رِوْکوم (Revcom) یا کمیته انقلاب به " مصادره و ضبط مواد غذایی از افراد خاص در شهرها و غلات از روستاها " تصمیم گرفت. دستجات سرباران مسلح تا دندان، به هر خانه‌ای میرفتند، ثروتمند یا فقیر و تمام برنج، گندم و جو، شیر خشک یا در قوطی را بزور میگرفتند. گوسفندان و گاوهای روستائیان از ایشان گرفته میشد. دارایی شخصی مثل قالی، جواهرات حتی پالتو نیز گرفته میشد و وسایل آرایشگاهها، کندوهای عسل و آلات موسیقی توسط کمونیستها " برای منافع عمومی " تخصیص مییافت.

این زیاده‌رویها و یاس عمومی جمعیت گرسنه بزودی باعث شورشی به رهبری رهبران باقی مانده حزب داشناک گردید که به ایروان حمله کرده رژیم محلی شوروی را بر کنار نمودند. لیکن پیروزی داشناکهای ارمنی حیات طولانی به همراه نداشت. ارتش سرخ در گرجستان همسایه در فوریه ۱۹۲۱ بر حکومت محلی منشویکها غلبه کرد. نیروهای شوروی سپس متوجه ارمنستان شدند و ایروان دگربار در دوم آوریل ۱۹۲۱ از داشناکها پس گرفته شد. در منطقه کوهستانی زانگزور چندین هزار داشناک به مقاومت مایوسانه خود ادامه میدادند تا اینکه ریشه‌کن شده و از طریق مرز به ایران فرار کردند.

ارمنستان شوروی حتی از ارمنستان مستقل کوچکتر است و تنها یک دهم از " ارمنستان بزرگ " تاریخی را در بر دارد. قارص، آرداهان وایگدیر از سال ۱۹۲۱ در دست ترکان است. استالین برای پاکسازی ارمنستان، گرجستان و آذربایجان از عناصر میهن‌پرست، مناطق و قلمروهای متعددی را در فدراسیون واحد ماوراء قفقاز متشکل ساخت. این ترتیب تا وقتی که رهبری محلی کلا" توسط جوخه‌های آتش و تبعید به سیبریه تصفیه شد، ادامه یافت. جمهوریها تا اعلام قانون اساسی جدید استالین در سال ۱۹۳۶ بصورت مناطق جداگانه پیدایش نیافتند.

رهبری شوروی تحت نظر استالین تصمیم داشت ماوراء قفقاز بویژه گرجستان و ارمنستان را به صحنه نمایش بدل سازد. آنان ارمنستان را بارسازی کردند تا بصورت مکه‌ای برای ارمنیان پراکنده در سرتاسر گیتی در آید. گرچه رهبران داشناک ارمنستان مستقل بر سر کار آمدن شورویها را رد میکردند لیکن گروهی از ارمنیان برجسته انقلابی در راه مستقیم لنین کار میکردند ـ از جمله استپان شاهومیان، یکی از ۲۶ کمیسر باکو مقتول در سال ۱۹۱۸ بدست عناصر طرفدار بریتانیا، کامو (در پتروسیان) که کارهای برجسته و پرجرات او پایه‌های حزب بلشویک را محکمتر ساخت، و آ. ای. میکویان یکی از قلیل بلشویکهای قدیمی که از تصفیه‌های استالین مصون ماند.

سازمانهای امداد جهانی که توسط افراد بزرگمنشی چون هربرت هوور تشکیل شده بود ، توجه خاصی به ارمنستان مبذول داشت. سازمان خوفناک چکا (OGPU) (۱۹) حداقل نوعی امنیت اجتماعی فراهم نمود که بر اساس آن روستایی ارمنی، دیگر توسط سرباران ترک و قبایل کرد بقتل نمیرسید. سیاست جدید اقتصادی لنین چارچوب انعطاف پذیری را فراهم نمود که در نتیجه آن مغازه‌داران و صنعتگران از یک زندگی متواضعانه برخودار شدند. تا اینکه تلاشهای برنامه‌های پنج ساله از سال ۱۹۲۸ آغاز گردید.

علامت آشکار تجدید حیات زندگی فرهنگی ارمنی در زمان حکومت شوروی، تاسیس دانشگاه ایروان بسال ۱۹۲۱ بود. دو سال پس از آن در ۱۹۲۳ آلکساندر تامانیان معمار و آرشیتکت برجسته ارمنی و معاون آکادمی هنرهای زیبای روسیه، از مسکو به ایروان اعزام گردید تا برنامه شهرسازی ایروان را با شیوه‌های نو ولی مطابق با آداب و سنن معماری و مجسمه‌سازی و ساختمان سازی خاص ملی ارمنی طرحریزی نماید.

عنصر مهم در تجدید حیات ارمنستان در دوران حکومت شوروی این واقعیت است که زبان ارمنی در کنار روسی، زبان درجه اول و رسمی جمهوری بشمار میرود. ارمنستان شوروی تنها نقطه جهان است که امور اداری

۱۹ ـ چکا Cheka نام سازمان امنیتی است که در روز ۲۰ دسامبر ۱۹۱۷ کمی پس از وقوع انقلاب روسیه، به دستور شورای وزیران بوجود آمد و هدف آن مبارزه با خرابکاران و ضد انقلابیون* بود. پس از آنکه اعمال این سازمان با تصفیه‌حسابهای شخصی عجین گشت و چهره " چکا " بصورت مخوفی در آمد و از دیگر سو شعله جنگهای داخلی در روسیه فرو نشست و بنیان کمونیسم در مملکت مستحکم گردید، دولت شوروی به فکر تغییراتی در سیستم امنیتی خود افتاد و بخاطر تقویت روحیه مردم و اعمال روشهای پسندیده‌تر امر به انحلال سازمان " چکا " داد و در ۶ فوریه ۱۹۲۲ سازمان دیگری به نام " گ. پ. ئو " تشکیل شد. این سازمان پس از تاسیس جمهوریهای فدراتیو شوروی که پس از آن مملکت " اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی " بوجود آمد تغییر نام یافت و به " او. گ. پ. ئو " (O.G.P.U.) موسوم گردید ـ م.

در آنجا به‌زبان بومی و مادری انجام میشود. ارمنستان شوروی همچنین دارای یک سیستم عمومی سطح بالای علمی و آموزشی است. شعبه ارمنی آکادمی علوم شوروی در سال ۱۹۳۵ تاسیس شد و در سال ۱۹۴۳ تبدیل به آکادمی مستقل گردید. رصدخانه **بیوراکان** که توسط آکادمیسین **ویکتور هامبارسومیان** که در محافل بین‌المللی ستاره‌شناسی از شهرت فراوانی برخوردار است اداره میشود، وابسته به آکادمی است. ارمنیان پرتوان از فرصت‌های استثنایی پروسه ترقی و پیشرفت اتحاد شوروی برخوردارند، زیرا آنان آزادانه برای انجام کارهایشان در سطح وسیع شغلی و بازارهای اقتصادی جمعیتی بالغ بر ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر، رقابت می‌کنند. آکادمیسین فقید هـ. آ. **اربلی** مدیر موزه هرمیتاژ لنینگراد گردید و برادرش **لوُن** مدیر انستیتوی فیزیولوژی پاولوف بود. نام آکادمیسین‌هایی چون **آرزومانیان**، **کنونیانتس**، **سیساکیان** و **آلیخانوف** نیز شهرت بین‌المللی کسب نمود. مادر مسیقی فقط کافی است در مورد شهرت و محبوبیت موسیقیدان برجسته **آرام خاچاتوریان** فکر کنیم.

تجدید حیات اقتصادی و فرهنگی ارمنستان شوروی باعث ایجاد اختلاف عقیده شدیدی میان ارمنیان مهاجر نشین‌ها بویژه در فاصله جنگ جهانی اول و دوم گردید. بسیاری از داشناک‌های قدیمی اتحاد شوروی را دشمن اصلی و از حیث شرارت پیش از ترکان میدانستند، اما دیگران معتقد بودند که تشویق و همیاری یک موطن ملی در ارمنستان شوروی تنها امید برای حفظ عادات و رسوم قومی و هویت ملی در شرایط سخت و رقابتی سده بیستم است. بعضی اوقات این حالات روحی شکل اسفناکی به خود میگرفت، بطوریکه یک رهبر روحانی ارمنی مظنون به تمایلات شوروی در جریان کارش در کلیسای نیویورک کشته شد. با این وصف امروزه مطبوعات ارمنی داشناکها در بوستون امور ارمنستان شوروی را با علاقه و تمایل دنبال میکنند.

بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی، استالین سیاست قبلی خود را در ماوراء قفقاز با این فکر که آذربایجان ایران، کردستان و قسمتهایی از ارمنستان ترکیه را ضمیمه خواهد کرد مطرح نمود. پس از سال ۱۹۴۵، ارمنیان خارج با قولهای کسب امتیازات و مزایای ویژه تشویق میشدند تا به وطن برگردند. انتخابات رهبر عالیه اجمیادزین مقدس (در ارمنستان شوروی) با شرکت نمایندگان ارمنی سراسر جهان انجام پذیرفت. رشد و توسعه صنعت ارمنستان با احداث کارخانجات مدرن و تکمیل شبکه‌های هیدروالکتریکی مسیر رودهای پر خروش ارمنستان توانایی بیشتری یافت (اطلاعات کامل در قسمت جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در آخرین چاپ دایرةالمعارف بریتانیکا که توسط دکتر آ. آ. مینتس A.A.Mints دانشمند شوروی نوشته شده، آمده است).

بلافاصله پس از سال ۱۹۴۵ شرایط رو به وخامت گروید. بسیاری از مهاجران از تصمیم خود در برگشت به‌وطن پشیمان شدند. ولی در طول دهه ۵۰ ارمنستان شوروی واقعاً در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی موفقیت‌های بزرگی بدست آورد. در کنار افزایش طبیعی در صد موالید، مواظبت‌های پزشکی نیز توسعه یافت، ارمنیان از ترکیه، ایران، لبنان حتی از ایالات متحده به وطن بازگشتند. جدول زیر از کتاب " اتحاد شوروی بزبان ارقام و اعداد ۱۹۷۴" (مسکو ۱۹۷۵) به زبان روسی، حاکی از این امور است:

جمعیت ارمنستان شوروی

۱۹۴۰	۱/۳۲۰/۰۰۰
۱۹۵۹	۱/۷۶۳/۰۰۰
۱۹۶۶	۲/۲۳۹/۰۰۰
۱۹۷۰	۲/۴۹۲/۰۰۰
۱۹۷۵	۲/۷۹۰/۰۰۰

اکثریت‌قومی ارمنیان عددی بیشتر از ۸۸٪ و اقلیتهای آذربایجانی یا تاتارهای آذری (۶٪) و روسها (۳٪) از جمعیت ارمنستان را تشکیل میدهند. (۲۰)

اکنون در جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان تعداد ارمنیان بالغ بر دو و نیم میلیون نفر است. اینان به غیر از گروه‌های ارمنی ساکن در مناطق دیگر اتحاد شوروی می‌باشند. مثلاً" جوامع ارمنی در گرجستان و آذربایجان به تنهایی رقمی بالغ بر نیم میلیون نفر را در هر یک تشکیل میدهند. جمعیت نسبی جمهوری شوروی سوسیالیستی خودمختار نخجوان که تحت حکومت تاتارها قرار دارد نصف همان میزان در ارمنستان است (جمعیت نسبی ارمنستان ۹۵ نفر در هر کیلومتر مربع است). برای قلمروی در حدود ۵۵۰۰ کیلومتر مربع ما ارقام جمعیتی زیر را داریم:

۱۹۴۰	۱۳۱/۰۰۰
۱۹۷۰	۲۰۲/۰۰۰
۱۹۷۵	۲۲۴/۰۰۰

بنابراین افزایش جمعیت در ارمنستان شوروی به مسئله فشار بر روی ضمیمه ساختن جمهوری خودمختار

۲۰ ــ جمعیت ارمنستان در سال ۱۹۸۱ بدین‌قرار است. جمعیت کل ۳ میلیون و ۱۱۳ هزار و ۷۰۰ نفر که ۲/۰۶۹/۶۰۰ نفــــر ســاکن شهرها (۶۶/۴٪) و ۱/۰۴۴/۱۰۰ نفر ساکن روستاها (۳۳/۶٪) می‌باشندـــ م.

نخجوان منتهی میشود. به همین ترتیب در مورد استان خودمختار قره‌باغ کوهستانی با اکثریت مسلط ساکنان ارمنی. در ناحیه اخیر برخوردهای میان ــ قومی ارمنی ــ آذری وایجاد آشوب غیرعادی نیست. اکثریت ارمنی در مورد تبعیضات کاملا" آشکار ناشی از حکومت آذربایجانی تاتار در باکو نسبت به آنها، با تلخکامی شکایت میکند، امر بسیار محرز رشد سریع ایروان پایتخت ارمنستان شوروی است که حیاتش را ۲۷۵۰ سال پیش با نام استحکامات اربونی از دژهای پادشاهان اورارتو آغاز نمود. (۲۱)

جمعیت ایروان

۱۹۱۷	۳۴/۰۰۰
۱۹۲۶	۶۵/۰۰۰
۱۹۳۹	۲۰۴/۰۰۰
۱۹۷۰	۷۶۷/۰۰۰
۱۹۷۵	۸۹۹/۰۰۰

از این جا دیـده میشود که ایروان اکنون تقریبا" یک سوم ازکل جمعیت ارمنستان شوروی را در بر دارد. این رشد سریع شهری حرکت سرتاسری و وسیع زارعین روستایی بطرف شهرهای بزرگ را منعکس می‌نماید که از آن، صنعتی شدن و جستجو برای یافتن تسهیلات وامکانات شهری نتیجه میشود. این وضعیت تا حدی مصنوعی در ارمنستان از تمرکز تعمدی صنعت در پایتخت و از ویژگی و شرایط سنگلاخی و نامطلوب اکثر حومه‌ها نتیجه میگردد. صنعت ارمنستان بدون سرمایه‌گذاری قابل توجه مسکو و پیروی از سیاست کرملین در احیای ارمنستان شوروی بعنوان میهنی ملی و مکه‌ای بر ارمنیان سراسر گیتی، نمی‌توانست دارای قوام و دوام باشد. تولیدات کارخانجات ارمنستان بدون دسترسی به بازار وسیع شوروی نمی‌توانست بفروش برسد؛ هم جمعیت شهری و هم روستایی بدون واردات گندم از اوکرائین دچار مشکل میشود.

البته، ارمنستان شوروی یک حکومت کمونیست یک حزبی و وابسته به دیکته‌های سیاسی کرملین دارد که ارمنیان بعضی اوقات می‌توانند به این یا آن قسمت، تاثیر گذارند. ایشان قدری نسبت به سایر ملیت‌های شوروی دارای امتیازاتی هستند واز یک زندگی متعارف منطقی، استاندارد خدمات بهداشتی در سطح عالی و مورد قبول شرق نزدیک و تسهیلات عالی آموزشی برخوردارند. آنان در سطح وسیعی به خارج سفر میکنند و معمولا" سرویس هوایی مستقیم ایروان ــ بیروت دایر است. نویسندگان کتاب حاضر به تعدادی از ارمنیان با دو نوع تابعیت ملاقات کرده‌اند مثلا" افرادی که هم گذرنامه بریتانیایی و هم شوروی در دست داشته‌اند.

درآمد سرانه ارمنستان شوروی حدود ۵۰۰ دلار (Nove and Newth, 1967) به مراتب نسبت به ارقام کشورهای دیگر چون‌ترکیه (۱۴۹دلار)، اسپانیا (۲۷۶ دلار) یا یونان (۲۹۲ دلار) برتری دارد.

این واقعیت که قله مقدس کوه آرارات اکنون در قلمرو ترکیه قرار دارد و از اکثر قسمت‌های ارمنستان شوروی قابل رویت است، باعث اندوه و حزن و شکایات دائمی است و برخی اوقات سبب تظاهرات شدید میگردد. مقامات شوروی اینها را فرو مینشانند و گهگاه در مورد نیات صلح جویانه خود به ترکان اطمینان میدهند. تقاضا برای برگشت نخجوان وقره‌باغ و قسمت‌های جنوبی گرجستان نیز گهگاه مطرح و همچون بمب منفجر میشود. با این‌وصف ارمنیان میدانند که بدون روسیه، آنها از نظر سیاسی و اقتصادی گم خواهند شد و وفاداری اصولی ایشان، نسبت به و مستقل از، اتحاد شوروی خارج از شک و تردید است.

چند ارمنی؟

ارمنیان قومی متحرک و همچنین بسیار پراکنده هستند لذا تعیین رقمی در مورد کل جمعیت ارمنیان جهان در هر لحظه از زمان مشکل است. برآوردها حتی اگر موثق نیز بنظر آیند بطور وسیع تغییر میکنند.

کلیسای حواریون ارمن در زندگی جامعه نقش محوری دارد: بسیاری از ارمنیان عضویت کلیسا را بعنوان بخش اصلی و جامع از " هویت ارمنی " محسوب میکنند. مطابق تاریخ کلیسای ارمنی اثر بطریق اُرامانیان، اعضای‌کلیسای حواری بلافاصله قبل از جنگ جهانی اول بالغ بر ۳/۴۷۲/۰۰۰ نفر در سراسر جهان بود. بعلاوه ۱۲۸/۴۰۰ نفر ارمنی کاتولیک‌رمی و ۴۹/۰۰۰ پروتستان نیز وجود دارند. با احتساب افراد ارمنی الاصلی که عضو کلیساهای دیگر هستند منطقی است که جمعیت ارمنیان جهان را درسال ۱۹۱۴ حدود چهار ونیم میلیون نفر بحساب آوریم که از آنها یک و نیم میلیون نفر در قتل عام ترکان جـوان وعواقب آن جان خود را از دست دادند. در جریان سالهای‌قحطی ۱۹۱۸ ــ ۱۹۲۰ جمعیت کل به کمتر از سه میلیون رسید.

ما در مورد رشد منظم جمعیت ارمنستان‌شوروی بویژه از سال ۱۹۴۵ سخن گفتیم. در سال ۱۹۵۴ اسقف پولادیان محاسبه نمود که ۲/۷۴۵/۰۰۰ ارمنی در کل اتحاد شوروی زندگی میکردند.

۲۱ ــ این شهر در سال ۷۸۲ ق.م. در پنجمین سال • پادشاهی آرگیشتی اول (۷۸۶ ــ ۷۶۰ ق.م.) بنا نهاده شدو جمعیت آن (در سال ۱۹۸۱) ۱/۰۵۴/۶۰۰ نفر است. ــ م

به علت تبعیضات سیاسی‌واجتماعی‌توسط‌رژیم آتاترک و جانشینانش‌جمعیت ارمنی ترکیه‌هنوز (۱۹۵۴) درسطحی کمتر از تعداد آنان پس از دوران قتل عام یعنی درحدود ۱۰۰/۰۰۰ بود. باید متذکر شد که حتی در سال ۱۹۷۶ هنوز هیچ‌گونه اثری از اسکان مجدد در پهنه‌ای که قبلا" به "ارمنستان ترکیه" معروف بود، دیده نمیشود.

پروسه صعودی جمعیت ارمنی جهان در آماری که در سال ۱۹۶۶ توسط یکی از نشریه‌های ادواری ایروان یعنی **هایرنیکی زاین** (۲۲) (تخلیص توسط دکمجیان درمطالعات شوروی‌دانشگاه گلاسکو، ۱۹۶۸) ارائه شده، موثقتر می‌باشد. در اینجا ما جمعیت کل ارمنیان را بالغ بر پنج و نیم میلیون می‌یابیم که‌در جدول زیر ارائه میشود:

اتحاد شوروی	۳/۵۰۰/۰۰۰
بقیه‌کشورهای‌جهان	۲/۰۰۰/۰۰۰

جامعه ارمنی شوروی بصورت زیر طبقه بندی میشود:

جمهوری ارمنستان	۲/۰۰۰/۰۰۰
جمهوری‌آذربایجان	۵۶۰/۰۰۰
جمهوری گرجستان	۵۵۰/۰۰۰
جمهوری فدراتیوروسیه	۳۳۰/۰۰۰
سایر نواحی	۶۰/۰۰۰
	۳/۵۰۰/۰۰۰

خارج از اتحاد شوروی جوامع اصلی بصورت زیر بر آورد میشوند:

ایالات متحده آمریکا (کانادا)	۴۵۰/۰۰۰
ترکیه	۲۵۰/۰۰۰
ایران	۲۰۰/۰۰۰
فرانسه	۲۰۰/۰۰۰
لبنان	۱۸۰/۰۰۰
سوریه	۱۵۰/۰۰۰
	۱/۴۳۰/۰۰۰

در این آمار (ارقام سال ۱۹۶۶) ۵۷۰/۰۰۰ نفر باقی میمانند که باید ایشان را در کشورهایی چون بریتانیای کبیر (حدود ۶۰۰۰)، آلمان، ایتالیا، اطریش، سوئیس بلغارستان (حدود ۲۵۰۰۰)، رومانی، لهستان، قبرس، مصر، آمریکای جنوبی، هندوستان، برمه، سنگاپور، چین‌و استرالیا، تقسیم نمود. رقم ۲۵۰/۰۰۰ برای ترکیه بسیار قابل تردید است وباید بسیاری از ارمنیان "تحت استتار" را در خود بگنجاند که اسامی ترکی داشته واسلام‌آورده‌اند تا تحت تعقیب و آزار قرار نگیرند. یک مجله ارمنی در وین در ژوئیه ۱۹۷۵ با فزونی قابل توجهی اعلام داشت Ils sont 7000000 dans le Monde qui disent Ayo! (هفت میلیون نفر در جهان آیو میگویند! "- "آیو" به ارمنی یعنی "بلی") مطابق این منبع امروزه تنها ۳۵۰/۰۰۰ نفر ارمنی در فرانسه وجود دارند.

آمار رسمی شوروی که قبلا" از آن ذکر شد، رقم ۲/۷۹۰/۰۰۰ را برای جمعیت ارمنستان شوروی بر آورد میکند (۱۹۷۵) که از این مقدار،دو و نیم میلیون ارمنی هستند. با این وصف این امر قابل توجه است که در صد موالید درارمنستان شوروی کاهش چشمگیری را از سال ۱۹۵۸ نشان میدهد وقتی که این میزان به ۴۱/۱ در هزار در مقابل ۸/۱ در هزار برای درگذشتگان، رسید (در صد رشد خالص: ۳۴ در هزار). تا سال ۱۹۷۳ در صد رشد به رقم نسبتا" کم ۱۶/۹ در هزار کاهش‌یافت. این میزان با رقم بالاتر ۲۸/۴ در هزار در میان تاجیکهای مسلمان برزادو ولد و رقم بسیار کم و باور نکردنی ۴/۰ در هزار در میان استونی‌ها مقایسه میشود.

در حال حاضر، جمعیت جمهوری ارمنستان شوروی با میزان سالیانه ۴۵/۰۰۰ نفر بعلاوه مهاجران از خارج که بنابر سیاست حکومت شوروی متغییر است، در حال افزایش میباشد.

جمهوری ترکیه: وارثی مبهم

در اثناء سالهائی که ترکیه کمالیست در جنگ برای استقرار اساس خود و برای کسب شناسائی بین‌المللی بود (۱۹۱۹ - ۱۹۲۲)، هسته حکـومت به اندازه هر یک از دولتهای پیشین ترکیه‌نسبت به ارمنیان و یونانیان با تعصب و ددمنشی و درنده خویی رفتار نمود، بعنوان مثال تصرف **ماراش** (فوریه ۱۹۲۰) و **هاچِن** (اکتبر ۱۹۲۰) توسط‌کمالیست‌ها با تصرف مفتضحانه قارص توسط دستجات کاظم قره بکیر (بازهم در اکتبر ۱۹۲۰) با عواقب وحشت‌ناک کشتارهای شهری؛ و شاید مشهورترین آنها که موضوع کتابی است (مارجری هوسپیان، ازمیر، ۱۹۲۲، ویرانی یک‌شهر)، یعنی چپاول ازمیر در سپتامبر ۱۹۲۲ و ویرانی و به آتش کشیدن محله ارمنی‌نشین با خسارات عظیم جانی (واحدهای دریایی قدرتهای غربی در ساحل دریا سنگر انداختند ولی در واقع هیچگونه کوششی برای مداخله و یا توقف کشتارها از خود نشان ندادند)

با این وصف در طول سالهای "بازسازی داخلی ترکیه، ارمنیان و سایر اقلیتهای مسیحی به استثناء یک درگیری در سال ۱۹۲۹، نسبتا" هیچگونه مزاحمتی ایجاد نکردند، ارمنیان قلیلی باقی مانده بودند و کمال آتاترک

---

۲۲ - Hayreniki Dzayn (به معنی ندای وطن) هفته نامه ارگان کمیته فرهنگی روابط با ارمنیان خارج م.

بحق دریافته بود که قدرتهای خارجی منافعشان را از دست داده بودند. توجه کمال معطوف اهداف مدرنیزاسیون بود و این امر به همراه تنفر شخصی او از تعصبات مذهبی و اجتماعی برای فقط خودش، بدین معنی بود که‌گهگاه با ارمنیان از در دلجوئی و ملاطفت بر می‌آمد. لذا وقتی که ارمنیان قیصریه با خط جدید (لاتین) در سال ۱۹۳۰ از او تقاضا کردند تا در مورد بازگشایی کلیسایشان اجازه دهد، او فورا" موافقت نمود.

با این وجود از زمان تاءسیس جمهوری ترکیه، حقوق ارمنیان بطورکامل اعاده نشده است. مهمترین وسیله‌ای که اصول حمایت ازاقلیتهای غیر مسلمان را در ترکیه کنار نهاد، معاهده لوزان (۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳) و بویژه مواد ۳۸ـ ۴۴ آن بود. امضاء کنندگان این معاهده که جنگ را در شرق نزدیک که در واقع از سال ۱۹۱۴ آغاز شده بود ــ به پایان برده بودند، امپراتوری بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، یونان، رومانی و حکومت صرب ــ کروت ــ اسلونس و ترکیه بودند. ماده ۳۸ زندگی و آزادی اقلیتهای ساکن در ترکیه را ضمانت مینمود، بدون اینکه بین "تولد، ملیت، زبان، نژاد یا مذهب" فرقی و امتیازی قایل شود. این ماده همچنین آزادی جنبش و مهاجرت را نیز تضمین میکرد. ماده ۳۹ اظهار میداشت که همه در قبال قانون برابرند. ماده ۴۰ حق اتباع غیرمسلمان و اقلیت را "برای تاءسیس، اداره و کنترل هرگونه موءسسه خیریه، مذهبی و اجتماعی و هرگونه مدارس و موءسسات تربیتی وآموزشی را به هزینه خودشان، محفوظ میداشت. . . . ".

در ماده ۴۱ حکومت ترکیه متعهد میشد تا تسهیلاتی را برای اقلیتها فراهم نماید تا آنان به فرزندان خود بزبان مادریشان تعلیم دهند (گرچه آنها آموزش اجباری زبان‌ترکی را نیز میداشتند). ماده ۴۲، قانونی بودن آداب ورسوم اقلیتها برای رتق و فتق امور داخلی خود تاکید میکرد، و ماده بعدی حق اقلیتها را در عدم انجام اموری‌که مذهبشان منع کرده بود متذکر میگردید. ماده ۴۴ به مواد قبلی اهمیت و اعتبار بین‌المللی میداد زیرا جامعه ملل خودش آنها را تضمین نموده بود.

این پیشبینی‌ها و شرایط در عمل نادیده گرفته شد . در نتیجه کارهای کمالیست‌ها در اثناء سالهای دهه ۳۰ و رقابت قدرتهای بزرگ برای حمایت از ترکیه در جنگ جهانی دوم و چشم داشت ناتو به دلاوری‌های نظامی ترکیه، هیچیک ازامضاء کنندگان آئین‌نامه لوزان قدرت یا تمایل خود را برای اجرای معاهده تا آنجا که به حقوق اقلیتها مربوط میشد، نشان نداده‌اند. در آن زمان روزنامه نیمه رسمی ایلری نوشت، "یونانیان و ارمنیان باید زبان خود را فراموش کنند و تُرک شوند و یا گورشان را گم کنند". ایکدام به مراتب خشن‌تر نوشته است: "ارمنیان در ترکیه باید فقط از دو امتیاز برخوردار باشند یعنی باید خدایشان را نیایش کنند و مردگانشان را دفن نمایند".

عده‌ای از ارمینان در جواب معاهده لوزان از خارج برگشتند و مدعی سرزمین‌ها و دارایی‌هائی شدند که خود و خانواده هایشان از سال ۱۹۱۵ از آنها محروم شده بودند. در نواحی شهری برخی از این افراد توسط اشرار خشمگین ترک و به تشویق ژاندارمهای محلی بر روی درختان میوه خودشان به دار آویخته شدند. ارمنیان فقط‌در استامبول و چند شهر دیگر توانستند حیات جوامع پراکنده خود را حفظ کنند. اکثر نواحی پیشین شش "ولایت ارمنی" در شرق ترکیه بعنوان مناطق ممنوعه‌نظامی اعلام شد. توریست‌های ارمنی خارج قبل از اخذ ویزا مجبور به‌امضاء تعهد نامه‌ای دال بر عدم مطرح ساختن ادعاهای‌قانونی برای استرداد مالکیت توقیف شده خود در ترکیه، میشدند.

منافع جامعه ارمنی در سال ۱۹۳۹ متحمل زیان و خساراتی شد یعنی وقتی که به منظور تسکین خشم ترکان در آتش افروزی جنگ جهانی دوم جهانی به قیمومیت فرانسه برسانجاک (ناحیه) اسکندریه ــ بخشی از سوریه ــ به نفع ترکیه‌پایان داده شد. عده‌ای از ارمنیان یعنی همان اخلاف تقلیل یافته ارمنستان دوران سده‌های میانی کیلیکیه در روستاهای آنجا زندگی میکردند؛ و پانزده هزار نفر از آنان نمیتوانستند انتظار بازگشت حکومت و قدرت ترکها را داشته باشندلذادر ژوئیه ۱۹۳۹ آنجا را ترک نموده به ارمنیان‌سوریه و لبنان ملحق شده و تعدادشان را به ۲۰۰/۰۰۰ نفر رساندند (در این مورد مقاله کریستفر واکر را در تایم ــ پنجم سپتامبر ۱۹۷۴ ملاحظه کنید).

در حین جنگ دوم جهانی، بعنوان مظهر رقیبی برای پان ــ ترکیسم، دولت عصمت اینونو مالیات‌های سنگین و تبعیض‌آمیزی (وارلیک ورگیسی) را برای اقلیت‌های غیر مسلمان و بویژه جامعه ارمنی وضع‌کرد، آن‌ها که قادر و یا مایل به پرداخت نبودند، بدون در نظر گرفتن سنشان به ترکیه شرقی فرستاده میشدند تا در شرایط بسیار نامناسب زندگی کنند. تمایلات حکومت و مردم ترکیه به‌رژیم نازی در مارس ۱۹۴۳ در مراسم برگرداندن بقایای جسد طلعت پاشا به وطن مجددا" ظهور کرد، او کسی بود که توسط یک میهن‌پرست ارمنی چندی پس از پایان جنگ اول جهانی ترور شد. (ترور کننده تا اندازه‌ای بخاطر قدرت مدارک ارائه شده بوسیله ژنرال لیمان فن ساندرز در مورد کشتارهای ترکان، توسط دادگاه آلمان

تبرئه شد). (۲۳) یک روزنامه‌نگار ترک اظهار داشت که ملت ترک از دولتش بخاطر برگرداندن بقایای جسد طلعت پاشا به‌وطن خود سپاسگزار خواهد بود ـ جایی که "ایدئالهای او اکنون جامه عمل پوشیده است". سفیر هیتلر در ترکیه یعنی هرفن پاپن در آئین بخاک سپاری مجدد طلعت‌در تپه آزادی شرکت جسته بود.

از زمان جنگ دوم جهانی اکثر ارمنیان ساکن در استامبول امکان یافته‌اند به زندگی متواضعانه بپردازند و در حقیقت در آسایش کامل زندگی کنند بشرطی که از فعالیتهای سیاسی خودداری نمایند. فقط یک بار در سپتامبر ۱۹۵۵ اعمال تعصب‌آمیز بروز کرد، وقتی‌که گزارشهای ویرانی زادگاه آتاترک در سالونیک باعث بیرون ریختن گروههای اشرار و فتنه جو در استامبول و غارت و چپاول مغازه‌ها و دارایی‌های اقلیت ها گردید. صرف نظر از اینکه پلیس بلوا را فرونشاند ولی عوامل و انگیزه‌های روانی نیز باعث منع اسکان مجدد ارمنیان در سرزمین‌های آباء و اجدادی خود شد. یکی از اعضای جامعه بازرگانی لندن که اغلب به مناسبت‌های شغلی از ترکیه دیدن میکند به ما اطلاع داد که میترسید از استامبول خارج شده و از یک‌شهر ساحلی دریای سیاه، جائی که خانواده‌اش قبل از ۱۹۱۵ میزیست دیدن نماید. یک واقعه این روزها دائما" از ذهن این شخص خطور میکند و آن چگونگی بیرون کشیده شدن اولیاء او از یک قایق ترکیه و افکنده شدن آنان در امواج خروشان و غرق شدن ایشان است.

در آمار رسمی سال ۱۹۶۰ ترکیه مجموع ارمنی زبانان اولیه، ۵۲/۷۵۶نفر داده شده است. بزرگترین تمرکز در منطقه استامبول با ۳۷۲۸۰ نفر میباشد. سپس استان ماردین با ۱۰۲۳۲ نفر در رده بعدی قرار دارد. منطقه کاستامونو شامل ۱۲۰۴ نفر و ناحیه سیواس شامل ۵۶۵ نفرارمنی زبان بود. هیچیک از استانهای دیگر شامل بیش از ۵۰۰ نفر ارمنی نیست، مجموع ارمنیان آدانـا در کیلیکیه که زمانی مرکز عمده پیشرفت جامعه ارمنی بود فقط ۶ نفراست! حتی تکان دهنده تر از این امر منطقه وان است که قلب ارمنستان ترکیه بود و فقط شامل دو نفر میشد که جراءت کرده بودند ارمنی را بعنوان زبان مادریشان در لیست بنویسند. (۲۴)

رهبر و سخنگوی بلامنازع جامعه ارمنی در ترکیه امروزی به مانند امپراتوری عثمانی، بطریق کلیسای حواریون ارمنی در قسطنطنیه است. از سال ۱۹۶۱ این مقام در دست بطریق پرجراءت شنورک کالوستیان بوده است که در کوششها و تلاشهایش برای حمایت از جامعه ارمنی خود از قربانی شدن توسط مقامات نظامی و غیرنظامی ترکیه خستگی ناپذیری بزرگی از خود نشان داده است. این یک واقعیت تلخ است که کوششهای عالیجناب مرتبا" بطور منظم مورد ممانعت و سوءتفسیر محافل حکومتی قرار گرفته و باز هم قرار میگیرد، که البته سیاست آنهادر طرفداری از ترکیه، به موفقیت حمله نظامی ترکیه به قبرس در سال ۱۹۷۴ انجامید. (به گزارش شماره ۳۰: قبرس ـ گروه حقوق اقلیتها رجوع شود).

در آن زمان، محافل حکومتی بخاطر بحث در مورد منافع ارمنیان در ایالات متحده، نماینده‌ای را به ملاقات بطریق ارمنیان به استامبول فرستاد. بطریق شنورک یک مدرک سه صفحه‌ای به نماینده ایالات متحده داد که حاکی از غم و اندوه ارمنیان ترکیه بود. این سند بعدها به سفارش واشنگتن توقیف شد و دفتر دکتر کیسینجر هرگونه شکایت از سوی بطریق را در ملاقات نماینده ویژه ایالات متحده با جامعه ارمنی استامبول، رد کرد.

از نظر اهمیت موضوع، متن کامل تذکاریه ۱۹۷۴ استامبول را در بخش ضمایم این کتاب بار دیگر چاپ میکنیم. بعلاوه در ذیل خلاصه‌ای از مرور عالیجناب را از مسائل جاری در رابطه با ارمنیان ترکیه چاپ مینمائیم (با تشکر فراوان از توجه خاص Armenian Observer دوم ژوئن ۱۹۷۶).

۳۴ کلیسای حواریون ارمنی دراستامبول و شش کلیسا در سایر استانها وجود دارد. ۳۱ نفر روحانی در ترکیه بسر میبرند: یک اسقف، دو وارتاپت (کشیش عزب) و ۲۸ کاهانا (کشیش‌متاءهل). چهار کاهانا و سه وارتاپت وابسته به مقر بطریق نیز در سایر کشورها خدمت میکنند. شورای مذهبی ۱۲ جلسه تشکیل داد، با این وصف انتخابات جدید صورت نگرفت زیرا اجازه دولت در حین سال دریافت نشده بود. پرورشگاه کالفایان قادر به ساختن مدرسه جدید نبود، زیرا مقامات علی رغم اینکه ساختمان قدیمی ویران شده بود، تقاضای اجازه برای ساختن مدرسه جدید ارمنیان را رد کرده بودند. همین سرنوشت نصیب کلیسای استفان مقدس در خاسکوغ شد که قادر به کسب اجازه برای بنای ساختمان جدیدنبود. مدرسه نرسیان در جوار کلیسا، توانست ساختمانی را در نقط دیگری

---

۲۳ ـ وی شخصی بنام سوغومون تهلیریان بود که در روز ۲۱ مارس ۱۹۲۱ در برابر ساختمان شماره ۱۷ در خیابان هاردبرگ برلین به زندگی کثیف طلعت پاشا پایان داد ـ م.

۲۴ ـ پرواضح است که این آمار ارائه شده توسط دولت ترکیه‌کذب محض بوده و شمار ارمنیان در ترکیه به مراتب بیش از ارقام مذکوز میباشد. م.

از شهر اجاره کند تا به مدرسه تخصیص یابد. حقوق قانونی این دو مؤسسه اکنون در دادگاه مورد دفاع قرار گرفته تقاضای عدالت و رفتاری شایسته شده است، جامعه در این راه بار سنگین غیر ضروری مالی متحمل گردیده‌است. به بیمارستان «سورپ پرکیچ (۲۵) حکم شد تا مالیات سنگینی بپردازد در شرایطی که در طول ۲۰ سال گذشته مخارج عملیاتی ده برابر افزایش یافته، لیکن در آمد بیمارستان در واقع به همان میزان قبلی باقی مانده‌است. حکومت تقاضای بیمارستان را دال بر افزایش درآمد بخشهای گوناگون رد کرده است. در حقیقت کمک هزینه دولت در حدود ده سال پیش که شامل ۱۰۰/۰۰۰ لیره ترک بود بدون هیچگونه توضیح و دلیلی به ۱۵/۰۰۰ لیره تقلیل یافته و مشکلات فراوانی ایجاد نموده است. (۱۵/۰۰۰ لیره کمک هزینه دولت کمتر از هزینه سالانه فقط یک بیمار است). ستمها در زمینه‌های آموزشی به مراتب آشکارتر است. دانش‌آموزانی که اولیاءشان به هر دلیلی اسلام آورده و از مذهب اصلی خود یعنی آئین حواری ارمنی پس از طی مراحل قانونی برگشته‌اند از شرکت در مدارس ارمنی منع میگردند. اگر یک ارمنی به مدرسه غیرارمنی برود نمیتواند دوباره سال بعد تصمیمش را تغییر داده به مدرسه ارمنی بازگردد، علیرغم این واقعیت که مدارس ارمنی توسط وزارت آموزش و پرورش بصورت مؤسسات معتبر و موثق باز سازی گردیده‌اند ممنوعیت دیگری که تحمیل شده، این است که مدارس ارمنی نمیتوانند ازسایر نواحی دانش‌آموزان بپذیرند، ستم بسیارآشکارتر حذف کلمه "ارمنی" از شناسنامه و کارت شناسایی است.

سخنگویان حکومت ترکیه دائما" از اظهار نظر در باره درخواستهای ارائه شده از جانب بطریق شنورک و یا تکذیب آنها امتناع ورزیده اند. این مدرک به همراه تائیدیه‌های متعدد مستقل پیشنهاد میکند که شکایات تا اندازه زیادی وارد و قابل توجیه‌است.

دانشمندان و سیاحان متعدد خارجی در مورد خرابی و ویرانی و غفلت از بناهای فرهنگی ارمنی در ترکیه اعتراض کرده‌اند. برای مثال، انفجار وانک خستگونک (مجتمع صومعه) که تاریخ بنای آن به سده ششم میلادی مربوط میشود و در چند مایلی جنوب آنی در نزدیکی مرز شوروی و ترکیه واقع است. خسارات به حدی است که نمیتواند نتیجه یک زلزله بوده و مسلما" باید توسط انفجار انجام گرفته باشد. برای بازداشتن دکتر تیری باستانشناس فرانسوی ومتخصص زبردست معماری ارمنی سده‌های میانه از اعتراضات، وی در سال ۱۹۷۴ توسط ژاندارمها در موش دستگیر و سه سال دریک سیاه چال بدون غذا و آب Pour Encourager les autres (۲۶) زندانی گردید.

در ولایات شرقی، کلیساهای ارمنی که هنوز باقی هستند، تبدیل به طویله یا موزه‌های محلی شده اند. یک کلیسای مشهور بعنوان اثر برجسته مربوط به "ترکان مسیحی پیشین" به‌توریست‌ها نشان داده میشود. این نظر که این بناها تحت نظارت یونسکو قرار گیرد هرگز صورت واقعیت بخود نگرفت. این امر تا حد زیادی بعلت ترس و واهمه‌ای است که این اقدام ممکن است بصورت حواله مرگشان در آید ـ به همان ترتیب که صاحبان مایملکات‌در بریتانیای کبیر وقتی که توسط حکم حفظ آثار تهدید میشوند فورا" بناهای تاریخی را تخریب میکنند.

نقش کلیسای حواریون [گریگوری] ارمنی

در طول سالیان طولانی تسلط سلاطین خارجی بر ارمنستان، کلیسای ملی حواریون یکی از عواملی بود که روحیه ملی را زنده‌نگاه میداشت. تا سده نوزدهم، کلیسا بصورت وسیله‌ای برای ناسیونالیسم و دفاع از خود در امپراتوری‌ها پابرجا بود. این امر به رهبران کلیسای ارمنی مربوط میشد تا مردم خود را تعلیم و آموزش دهند گماشتگان پادشاهان (بویژه ترکان) از خطر ناشی‌از این تعلیم‌و تربیت غافل نبودند.

به غیر از هوا خواهان کلیسای حواریون ارمنی، عده‌ای ارمنی‌متحد کاتولیک نیز وجود دارند که برخی از آنان از زمان جنگهای صلیبی و دیگران از دوره فعالیت میسیونرهای دمینیک پدید آمده‌اند. در سده هجدهم مقر مذهبی آنان از حلب جایی که بین ایشان و هواخواهان کلیسای حواریون ارمنی اختلاف و برخورد بروز نموده بود، به بزومار در کوه لبنان انتقال یافت که در اراضی واقع میباشد که به خانواده نیرومند مارونی خازن تعلق دارد. پیدایش‌ارمنیان پروتستان به دوران فعالیت میسیونرهای آمریکائی (از دهه ۱۸۳۰ به بعد) مربوط میشود که تا اواسط قرن بصورت جامعه‌ای متشکل و رسمی در امپراتوری عثمانی بسر میبردند.

در دوران ستم‌ها و تعقیب‌های دهه ۱۹۸۰، بویژه هواخواهان کلیسای "ملی" برای سرکوب انتخاب شدند این امر تا حدی بدین سبب بود که کلیسا بعنوان حفاظی برای مردم، به مرور شدت یافتن آزارها و تعقیب‌ها، بناچار بیشتر دارای نقش‌سیاسی میگردید و جزئا" بخاطر

۲۵ ـ Sourp Purgich (به معنی ناجی مقدس) این‌بیمارستان در سال ۱۸۳۲ در استامبول بنا شده است ـ م.

۲۶ ـ "به جرم برانگیختن مردم" ـ م.

اینکه حکومت عثمانی دریافته بود که اگر بر ارمنیان گریگوری حمله میکرد با هیچگونه بازخواهی سیاسی روبرو نمیشد، در صورتیکه اگر ارمنیان کاتولیک مورد حمله قرار میگرفتند، سفرای فرانسه (یا اطرایش ــ مجارستان) اعتراض میکردند و اگر پروتستان‌ها مورد آزار واقع میشدند، انگلیسیها یا آمریکائیان صدای اعتراض بر آوردند. در اثناء نژادکشی ۱۹۱۵ توسط ترکان جوان تمام این‌گونه امتیازات از میان رفت و ارمنیان بدون استثناء کشته شدند.

مسائل و مشکلات کلیسا پس از استقرار نظام کمونیستی در ارمنستان بسیار زیاد و متعدد است و برای مدتهای مدید مقر جاثلیق در اچمیادزین خالی و بی‌متصدی بود. مقر جاثلیق کیلیکیه (که بطور نظری از قدرت مشابه برخوردار است در حالی که معتقد است، عنوان جاثلیق اجمیادزین "جاثلیق کل ارمنیان" میباشد) پس از جنگ اول جهانی به آنتیلیاس درشمال بیروت منتقل گردید که تا امروز نیز به کار خویش ادامه میدهد. نواحی اسقف‌نشین که مسئولیت آنان به آنتیلیاس مربوط میشود شامل سوریه، لبنان، قبرس و ایران میگردد.

در سال ۱۹۳۳ شکافی در کلیسای ارمنی بوجود آمد و در سال ۱۹۵۶ رسمیت یافت. مسئله مورد بحث اختیارات جاثلیق اجمیادزین (ارمنستان شوروی) بود: آیا او یک رهبر کلیسای مستقل و موثق مورد اعتماد بود یا یک عروسک خیمه شب بازی کمونیست؟ حزب داشناک سازمان مقتدر خود را بر علیه دعاوی مقر جاثلیق اجمیادزین بکار برد و در سال ۱۹۵۶ تجزیه قطعی کلیسا با انتخاب جاثلیق طرفدار داشناک در آنتیلیاس بوقوع پیوست. این امر را باید متذکر شد که حزب لیبرال و سرمایه‌دار رامکاوار (۲۷) نامزدهائی را که طرفدار یکپارچگی کلیسا بودند مورد حمایت خود قرار داد و این نه بخاطر تمایل به کمونیسم بلکه بدین سبب بود که به اعتقاد آنان وحدت ارمنیان مسئله مهمتری نسبت به افزایش دائمی نفوذ شوروی بود.

از سال ۱۹۵۶ کوششهای گوناگونی در جهت رفع مشکلات این شکاف کلیسائی انجام شده است که خود این امر شکافی را در جامعه اضافه میکند. یکی از میانجیان بین دو بخش تقسیم شده کلیسا بغیشه دردریان بطریق بیت‌المقدس است. آنچه که باعث بهم آمدن جناحین مختلف شده و محیطی را برای سازش و آشتی در کلیسا ایجاد کرده است فعالیت‌های آوریل ۱۹۷۵ بود (شصتمین سالگرد قتل عام ارمنیان) که بخاطر آن کمیته متحدی از

۲۷ ــ حزبی که در سال ۱۹۲۱ از پیوستن احزاب رامکاوار وآزاداکان تشکیل شد وهدف کلی آن آزادی سرزمین‌های اشغالی ارمنستان و پیوستن آن به ارمنستان شوروی میباشد ــ م.

همه گروه‌های اصلی تشکیل شد. این کمیته ثابت نمود که دارای ارزشی بادوام در سرتاسر جنگ داخلی لبنان بوده و از تمام جامعه در برابر حملات هر دو طرف (چه تصادفی و چه عمدی) پشتیبانی کرده وبی‌طرفی ارمنیان را مورد تاکید قرار داده‌است. در واشنگتن ایالات متحده آمریکا این آشتی طلبی توسط مجمع ارمنیان که کنگره‌ای است که در آن تمام گرههای ارمنی شرکت دارند ارائه گردیده است.

برخی جوامع پیشرو امروزی ارمنیان: مهاجرنشینها

ما به وفور از تبعید و مهاجرت اجباری و جمعی از وطن، یاد کرده‌ایم که صورت یکی از صفحات مصیبتبار تاریخ ارمن در طی قرون در آمده است. این پراکندگی از اوایل سده‌های میانه آغاز گردیده و دراثناء کشتارهای ۹۶ ــ ۱۸۹۵ توسط سلطان عبدالحمید روی به ازدیاد گذارد و در زمان نژاد کشی ترکان جوان سال ۱۹۱۵ به منتها درجه خود رسید. تنها نقطه تسلی بخش این است که این اعمال تروریستی و تبعیدی به بالا رفتن سطح کاردانی واستعداد ذاتی شخصیت ارمنی انجامید و برای دینامیسم و تحرک ارمنیان، و ذکاوت و تیزهوشی حرفه‌ای آنان اعتبار جهانی به ارمغان آورد. این گونه ویژگی‌ها وکیفیات (خارج از جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان) در ایالات متحده آمریکا به عالیترین درجه خود رسیده است.

مراجع این کتاب ما را بر آن داشت تا برروی نواحی که ارمنیان تشکیل مسئله اقلیت میدهند و یا بعنوان یک جامعه، شدیداً" تحت تبعیضات قرار دارند، تمرکز یابیم. لذا ما به بحث در مورد بسیاری ازکشورهای دیگر میپردازیم که آنان درآنجا پناه یافته و مورد ترغیب و ستایش قرار گرفته، یک گروه پرکار و کاملاً" امین وکامیاب تشکیل داده‌اند.

آمریکا

ایالات متحده وکانادا بصورت مهمترین مأمن برای جوامع پراکنده در سطح بین‌المللی در آمده است. گروهای وسیعی از ارمنیان در فرزنوی کالیفرنیاو در واترتاون، حومه بوستون در ماسا چوست بسر میبرند، با این وصف بزرگترین تمرکز ارمنیان در ایالات متحده امروزه در حوالی لوس آنجلس است. جمعیت ارمنی ایالات متحده و کانادا یکدهه قبل در حدود ۴۵۰/۰۰۰ نفر بود، اکنون بیش از نیم میلیون و در حال افزایش است.

تلاشهای ارمنیان انعکاس خود را در تجارت بزرگ

(آلکس مانوکیان، کرک گریگوریان، ادوارد ماردیکیان)، در ادبیات نوع "خودمانی" آمریکا (سارویان) همچنین ورزش و بیس‌بال، علوم و تکنولوژی، موسیقی مردمی و اپرا یافته است. نام یک کارمند ارمنی آمریکائی در رابطهٔ با مسئله واترگیت ذکر گردیده است.

در آمریکا، سازمانهای متعدد وطن‌پرست ارمنی وجود دارد. برخی از اینها عبارتند از: شرکت فعال هایرنیک در بوستون (داشناک، اکتیویست، وناشران Armenian Weekly و روزنامه یومیه‌هایرنیک)، انجمن بایکار در بوستون (سازمان لیبرال دمکراتیک رامگاوار، ناشران‌هفته نامه Mirror Spectator و روزنامه یومیه بایکار)، اتحادیه کل خیریه ارمنیان که مردمی‌تر و محافظه کارتراست (AGBU) تاسیس ۱۹۵۶ در قاهره مصر. AGBU دراثنا قتل عام سال ۱۹۱۵ به منظور تشکیل اردوهای پناهندگان و نجات کودکان یتیم از مرگ در بیابان‌ها و بطورکلی رهایی و حفظ جان بقایای پراکنده شده ملت ارمنی در سرتاسر شرق نزدیک، تجدید سازمان یافت. امروزه AGBU از مدارس ارمنی و موسسات خیره و دادخواهی‌های دیگر در سرتاسر جهان پشتیبانی میکند. مدارس متعددی وابسته به AGBU در لبنان، آمریکای لاتین، ایالات متحده، انستیتوی ملکونیان در نیکوزیای قبرس وجود دارند. موسسه مهم بین‌المللی دیگر دراین زمینه، موسسه گالوست گلبنکیان در لیسبون است. همچنین انجمن امداد ارمنی وابسته به جامعه داشناک وجود دارد.

سرچشمه امیدهای ارمنیان ایالات متحده را کتاب اخیر مایکل آرلن تحت عنوان گذراز آرارات بیان کرده است. پدر آرلن رمان نویس مشهور انگلیسی ـ آمریکائی در دهه ۱۹۲۰ بود، کسی که اصل ارمنی خود را در جمع هوشیار دوستانش مخفی نگاه میداشت. مایکل آرلن صغیر در کتابش در مورد چگونگی پی بردن به راز ارمنی بودن و دریافتن میراث ملی خود صحبت میکند. شرح این سیاحت روحی مطلب جالب توجهی را بوجود میآورد. از زمان حمله ترکیه به قبرس در سال ۱۹۷۴، ارمنیان ایالات متحده دادخواهی مشترکی با یونانیان اعلام داشته‌اند. آنان اداره‌های کنسولی ترکیه را تحت نظر گرفته برنامه‌های فرهنگی ترکیه را از هم پاشیده و در بین اعضاء کنگره ایالات متحده دوستان فراوانی دارند. اهمیت آنان بعنوان گروه فشار بوضوح روبه افزایش است.

گروههای بزرگی از ارمنیان در شهرهای مهم کانادا و آمریکای جنوبی بویژه اروگوئه، ونزوئلا، برزیل و جمهوری آرژانتین وجود دارند.

مطبوعات ارمنی درایالات متحده آمریکا توسط پنج روزنامه انگلیسی زبان ارمنی شناخته میشود، شامل:

Armenian Weekly (Boston)

Armenian Mirror - Spectator (Boston)
Armenian Reporter (New York)
Califarnia Courier (Fresno)

Armenian Observer (Los Angeles)

روزنامه‌های یومیه عمده‌ارمنی زبان عبارتند از: بایکار (Baikar واترتاون) هایرنیک (بوستون)، آسپارز (لوس آنجلس)، همچنین‌نشریه دو روزه نور ـ اُر (لوس‌آنجلس).

اکنون یازده مدرسه روزانه ارمنی در ایالات متحده و دو مدرسه در کانادا وجود دارد. حیات کلیسایی ارمنیان در آمریکا کاملا" توام با فعالیت است. ۶۵ بخش قلمرو کلیسایی وجود دارد که‌اکثر آنها دارای تسهیلات فرهنگی و تفریحی واقع در اطراف شهرهای عمده ایالات شرقی و مرکزی و سواحل غربی میباشند. پرورشگاهی در سن‌نرسس بسال ۱۹۶۲ افتتاح شد و اکنون با پرورشگاه ارتودوکس سن‌ولادیمیر نیویورک مرتبط است.

اروپای غربی

جامعه‌ارمنی فرانسه‌از مهمترین و پردوامترین اجتماعات است. تاریخ روابط‌فرانسه با ارمنستان به دوران جنگهای صلیبی بر میگردد و آخرین پادشاه ارمنستان در سن‌دنیس بخاک سپرده شده است.(۲۸) عمده‌ترین مراکز ارمنیان فرانسه عبارتند از پاریس، مارسل، لیوان و وانس. ارمنیان در مشاغل گوناگون به نحو احسن کار میکنند.

بریتانیای کبیر یک "منطقه رشد" پیشرو برای جامعه ارمنی محسوب میشود، بویژه لندن و منچستر. زمان تشکیل جامعه منچستر به دهه ۱۸۴۰ بر میگردد که نقش بزرگی را در پیشرفت صنعت منسوجات در سده نوزدهم بازی کرد. تعداد ارمنیان لندن دائما" توسط پناهندگان از مناطق پرمصیبت چون لبنان و قبرس رو به فزونی است. لندن دارای چندین رستوران ارمنی، سه کلیسای حواریون، مرکز فرهنگی خانه ارمنی است. جاثلیق اعظم اچمیادزین مقدس دارای نماینده شخصی خود (اقامتگاه: ایورناگاردنس، کنسینگتون) به اعتبار اسقف اعظم کانتربری میباشد. موسیقیدانان برجسته ارمنی من جمله مانوک‌پاریکیان ویولونیست، کوارتت چیلینگیریان، لوریس‌چنگاوریان رهبر ارکستر و کتی بربریان خواننده، کنسرت‌های متعددی را در فستیوال هال و سایر جاها میدهند. اتحادیه کل خیریه ارمنی، کمیته ملی ارمنی (داشناک) و موسسه‌گالوست گلبنکیان لیسبون شعبه‌هایی در لندن دارند.

مهاجر نشین ارمنی در ایتالیا دارای گذشته‌طولانی

۲۸ ـ منظور لون‌پنجم لوسینیان پادشاه ارمنی کیلیکیه

منعکس از دوستی سنتی پاپاسی با ارمنستان است. جامعه ارمنی کاتولیک مخیتاریستها صومعه‌ای در جزیره‌سن لازار در ونیز دارد. این فرقه مذهبی بالغ بر ۲۵۰ سال پیش در استامبول پدید آمد و سپس بنا به دعوت جمهوری وسیز به سن‌لازار منتقل گردید. این فرقه کوششهای خود را بر روی اشاعه علوم بکار بست و نقش بسیار مهمی در جنبش رهایی بخش ارمنی از سال ۱۸۰۰ به بعد ایفا نمود. صومعه دارای یک‌کتابخانه پرارزش میباشد که در آتش‌سوزی سال ۱۹۷۵ خسارت دید. در خود ونیز یک دبیرستان ارمنی وجود دارد. منافع بازرگانی و صنعتی مهم ارمنیان در میلان، تورین و سایر مکانها واقع است.

مهاجرنشین ارمنی در **آلمان غربی** شکوفایی کمتری نسبت به سالیان پیش از جنگ دارد. با این وصف یک تشکیلات اجتماعی فعال که ریاست آن در برلین اقامت دارد کار میکند. برخی بازرگانان ارمنی قالی در لندن در دوسلدرف دارای شعبه فرعی هستند. کلیسای ارمنی کولون تحت حمایت و سرپرستی کاردینیال ـ اسقف اعظم آلمان فعالیت میکند. در دانشگاه هیندلبرگ، انجمن فرهنگی آلمان ـ ارمن به ریاست پرفسور دکتر فردریک هیر (Prof. Dr.Fredrich Heyer) به فعالیت خود ادامه میدهد.

مهاجرنشین ارمنی اطریش در وین تمرکز یافته است جایی که پدران کاتولیک مخیتاریست به کارهای انتشاراتی و چاپی آثار مشغولند. اهمیت جامعه بعلت وجود کلیسای حواریون وابسته به اچمیادزین نمایان تر میگردد.

ارمنیان سوئیس فعالیتهای خود را در سالهای اخیر در ژنو چند برابر نموده‌اند. در حومه جذاب شهر، آنان یک کلیسای جدید و زیبای حواریون بنا کرده‌اند.

اروپای شرقی

مهاجرنشین ارمنیان در اروپای شرقی دارای تاریخی بس جالب و مفصل است و به عصر بیزانس بر میگردد (به بخش نخست رجوع شود).

ارمنیان در لهستان و ترانسیلوانیای تحت حکومت هابسبورگ و مجارستان مجبور شدند مذهب کاتولیک رمی را قبول کنند که به محو جزئی هویت آنان انجامید، با این وجود ارمنیان نقش برجسته‌ای در زندگی فکری، تجاری و روحانی **لهستان** مدرن ایفا نموده و در آنجا عمیقا" مورد احترام قرار دارند.

قبل از جنگ جهانی دوم، حدود ۵۰/۰۰۰ ارمنی **دررومانی** زندگی میکردند. آنان بر سراسر بخش شمالی سوسیوا، پایتخت پیشین **ملداویا** تسلط داشتند، و دارای صومعه مستحکم (زامکا) بودند که تاریخ بنای آن به سال ۱۶۰۰ مربوط‌میشود. تجارت جاسی (Jassy) پایتخت جدید ملداویا بطور وسیع در دست آنان قرار داشت. بوخارست، مرکزی برای طبقه و سلک اسقفان حواریون ارمنی است که رهبری‌آن مدتی در دست جاثلیق اعظم فعلی یعنی **وازگن اول** بود. کلیسای جامع زیبای ارمنی در بوخارست در سال ۱۹۱۵ تکمیل شد. پس از جنگ دوم جهانی، رژیم کمونیستی بریاست افراطیونی چون آناپاکر نسبت به اموال خصوصی با خصومت رفتار نمود. اکثر ارمنیان محلی‌به جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان آمریکا و یا لبنان مهاجرت کردند. فقط حدود ۵۰۰۰ نفر باقی ماندند. با این وصف در سال ۱۹۷۳ مدیر کل فروشگاه بزرگ اصلی بوخارست یک ارمنی بنام هاروتیون **آساتوریان** بود، وزیر تولیدات وسایل ماشینی در حکومت رومانی آقای **ویرجیل آکتاریان** بود. هفته‌نامه ارمنی، **نورکیانک** ("زندگی نو") در بوخارست بچاپ میرسید. **داوید هوانسیان و ادوارد توماجیان** از خوانندگان مردمی اپرا در آنجا میباشند، تئاتر دارای ستارگانی چون **هاروتیون زاکاریان و لوئیزا بربریان** است.

وضعیت ارمنیان جمهوری مردمی **بلغارستان** بویژه دلپسند و مطلوب است، جایی که تعداد آنان به ۲۵۰۰۰ نفر میرسد. مراکز عمده ایشان عبارتند از پلودیو، صوفیه وارنا و روسه. آنان دارای مدارس متعددی هستند که جزئا" توسط دولت ساخته شده‌اند. کلیساهای‌زیبا تحت نظارت اسقف ارمنی در رومانی، عالیجناب **دیرایر ماردیکیان** قرار دارند.

ارمنیان در اکثر شهرهای عمده اتحاد شوروی زندگی میکنند و در اکثر مشاغل برجسته، در هزو علوم، تجارت وصنعت مشغولند. مهاجرنشین‌های مسکو، نورناخیجوان (۲۹) (نزدیک روستوف) وآستراخان دارای تاریخ پرتحول و مفصل است. موسسه لازاروف در مسکو توسط یک‌خانواده ثروتمند ارمنی در سال ۱۸۱۵ تاسیس شده است، عمارات اصلی و قدیمی هنوز درآرمیانسکی پرولوک (۳۰) پابرجا هستند. صنعت موتور سازی شوروی در آسیای مرکزی با تمرکز در شهر عشق آباد تا حد زیادی مرهون مکانیسین ها و مهندسان ارمنی است. پزشکان و دندانپزشکان ارمنی در مشاغل و رشته‌های پزشکی شوروی نقش برجسته‌ای دارند. با این وصف موارد استثنائی نیز وجود دارد و یک دکتر متخصص بیماری‌های روانی بخاطر توسعه روش نگهداری ناراضیان شوروی در تیمارستان ها و تجویز داروهای مضر، سوءشهرت بدست آورده است.

۲۹ـ Nor Nakhcheven نخجوان نو ـ م.

30 - Armyansky Pereulok

خاورمیانه و نزدیک

شهر بیروت پایتخت لبنان بیش از نیم قرن تا جنگ داخلی نفاق انگیز و متعصبانه اخیر، مهاجر نشین ارمنیان در شرق نزدیک بوده است. لبنان اکنون باید منطقه مصیبت های ارمنیان تلقی گردد.

ارمنیان ۷% از جمعیت کل لبنان را تشکیل می‌دهند واکثرا" در بیروت و حومه آن زندگی می‌کنند (و یا سابقا" زندگی میکردند) آنها شامل بازرگانان ثروتمند زارعین وکارگران و دهقانان بی بضاعت می‌باشند.

جاثلیق حوزه اسقفی حواریون کیلیکیه، بطریق ارمنیان کاتولیک و رئیس اتحادیه کلیساهای انجیلی ارمنی در شرق نزدیک همگی در منطقه بیروت دارای شعبه هستند. پیش از آغاز جنگ داخلی، شصت مدرسه ارمنی کودکستان، دبستان و دبیرستان — و دانشکده‌هایگازیان در لبنان دایر بود. بیش از بیست کلیسای ارمنی، چهار روزنامه یومیه و بیش از ۱۲ هفته نامه، ماهنامه ونشریات سه ماهه در لبنان وجود دارد (و یا داشت). سه حزب عمده سیاسی — داشناکهای ناسیونالیست یا ARF (۳۱)، رامگاوارهای محافظه کارتر و هونچاکهای مترقی — همگی نقش خود را در زندگی سیاسی، فرهنگی و ورزشی جامعه ایفا میکنند.

ارمنیان مدتهای مدید، در دنیای تجارت بیروت نقش مهم وابسته درجه دوم را ایفا میکردند. ویرانی این شهر یک مصیبت بشمار میرود و باعث عکس العمل ارمنیان جهان شده است. در طول جنگ آنان سعی نموده‌اند موقعیت بی طرفی خود را حفظ نمایند. با این وصف، حداقل ۱۴۰ ارمنی تا سپتامبر ۱۹۷۶ کشته و دو هزار نفر زخمی شده‌اند. بر اساس گفته‌های یک سخنگوی فدراسیون انقلابی ارمنی، خسارات واردشده بر اموال ارمنیان به ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار رسیده است. جوامع ارمنی در سرتاسر گیتی به سازماندهی وایجاد رفاه برای خویشاوندان و هم قومان آسیب دیده خود در لبنان می‌پردازند. بسیاری کشور را ترک کرده‌اند و آنهایی که باقی مانده‌اند مورد تهدید قحطی قرار دارند.

یکی دیگر از مناطق مصیبت زده فعلی برای ارمنیان قبرس است. در نیکوزیا، مدرسه ملکونیان در موقع حمله نظامی ۱۹۷۴ توسط نیروهای ترکیه بمباران شد و اکثر قسمت های آن ویران گردید. بازسازی آن حدود ۱/۰۰۰/۰۰۰ دلار برای اتحادیه کل خیریه ارمنی خرج برداشت. ارمنیان بخش شمالی قبرس از خانه ومغازه‌های خود بیرون کشیده شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند (ما با بسیاری از آنان که به لندن فرار کرده‌اند مصاحبه نموده‌ایم). در فاماگوستا و سایر نواحی، کلیساها و بناهای ارمنی توسط دهقانان ترک و یا واحدهای مسلح نظامی ترکیه آسیب دیده ویا ویران شده‌اند.

سایر بخشهای خاورمیانه ونزدیک (غیر از ترکیه) تصویر جالبتری ارائه میدهند. در ایران، ارمنیان اخیرا" دارای زندگی جدیدی شده‌اند، آنان از توجهات شخصی شاه برخوردارند. (۳۲).

شهرک زیبای ارمنی نشین جلفای نو در نزدیکی اصفهان یک مرکز مهم جلب توریست است. ارمنیان تهران یک کلیسای زیبا و جدید و چند کلیسای قدیمتر یک روزنامه یومیه و چند موسسه فرهنگی دارند. آنها صاحب آبجو سازی موفق بوده به امور خطوط هوایی ملی ایران کمک میکنند. جامعه تاریخی ارمنی در تبریز، مرکز آذربایجان ایران امروزه نیز دارای اهمیت است. این شهر دارای حوزه اسقفی تابع آنتیلیاس با یک موزه بسیار جالب می‌باشد. چندین هزار ارمنی از تبریز و تهران در ماه ژوئیه به زیارت سالیانه کلیسای سن تادئوس یکی از کلیساهای سده چهاردهم در جنوب کوه آرارات میروند.

ارمنیان در واقع در تمام شهرهای عمده شرق نزدیک وجود دارند. در مصر مناسبات ارمنیان به زمانی برمیگردد که دست اندرکاران آنها در خدمت خانـــدان محمد علـــــی بودند که از میان ایشان نوبار پاشا کسی که به مقام نخست وزیری رسید، قابل ذکر وتوجه است. پس ازآن ارمنیان قاهره متعاقب تضعیف نفوذ بریتانیا و نضج گیری ناصریسم زمینه‌های بیشتری را از دست دادند ولی بعضی‌ها از محیط و جوی که پرزیدنت سادات ایجاد کرده با آزادی و رفاه بیشتری استفاده میکنند.

در سوریه، ارمنیان بیشتر در دمشق ونیز حلب تمرکز دارند و بیشتر به مشاغل مدیریت هتلها و پزشکی مشغولند. جامعه آنها در عراق (در بغداد) نیز متراکم است، ولی ماهیت استبداد حاکم بر عراق آنها را مجبور به فروتنی و اطاعت نموده است.

جامعه ارمنی فعالی نیز در اردن وجود دارد که چند سال پیش کلیسای خود را در عمان بنا نمود. بسیاری از ارمنیان اردن "پناهندگان مضاعف" هستند زیرا پس از جنگهای ۴۹ — ۱۹۴۸ فلسطین فرار نموده‌اند،

---

31 - Armenian Revolutionary Federation

۳۲— برای عموم ارمنیان بر واضح است که این "توجهات" چگونه تنها شامل حال یک عده افراد قلیل و مفسد چون فلیکس آقایان وغیره میگردید و محرومین ارمنی همانند سایر برادران ایرانی خویش همچنان در شرایط نابرابر اقتصادی و فرهنگی میزیستند — م.

افزون بر اینکه آنان از وطن خودشان نیز مهاجرت اجباری کرده‌اند.

در اسرائیل، در حیفا جامعه کوچک (۳۰۰) ولی در حال پیشرفت و رشد وجود دارد، اگر چه سالهای اخیر در اثر تعصبات حزبی و دسته بندی های سیاسی دچار مشکلات شده است.

هند و آسیای جنوب شرقی

حضور عظیم ارمنیان در هند مصادف با دوران حکومت بریتانیا ــ از نیمه سده هجده تا نیمه سده‌بیستم است. ارمنیان بمبئی و کلکته نقش بزرگی در بازرگانی بین‌المللی با اروپا، ایران، امپراتوری عثمانی، و خاور دور ایفا نمودند. آنان از فرهنگ و تعلیمات عالی و روحیه والای میهن دوستی برخوردار بوده و به برادران بی بضاعت تر و پراکنده خود در سایر کشورها کمکهای مالی بسیار مفید میدادند. پس از عقب نشینی بریتانیا، که ارمنیان را بعنوان پیروان آئین مسیح مورد مساعدت قرار میداد، جامعه تا قدری دچار سستی وافسردگی گردیده و بسیاری از ارمنیان هندوستان مهاجرت کرده‌اند.

جا دارد از مهاجرنشین ارمنی در رانگون و سنگاپور که زمانی پر رونق بودند یاد کنیم. قابل ذکر است که ارمنیان سنگاپور نقش بسیار عظیمی در استقرار حکومت مستقل در آنجا بسال ۱۹۶۵ ایفا نمودند و آنرا به بالاترین درجه اداری و سیاسی ارتقاء دادند. هتل رافلز (Raffles) که بدست ارمنیان تاسیس شده است در بین مسافرخانه‌های شرق، برجسته و مشهور است.

آفریقا

ارمنیان درآفریقا از سده‌های میانه به امور ومشاغل تجاری، سیاسی و میسیونری اشتغال ورزیده‌اند. بنادر شرق آفریقا استعداد و توانایی تجاری آنان را جذب کرده‌اند واخیرا"، ارمنیان در مراکز صنعتی آفریقای جنوبی چون ژوهانسبورگ و کیپ تاون فعالیت چشمگیری از خود نشان داده‌اند.

بویژه مهاجر نشین بسیار قدیمی ارمنی در اتیوپی جالب توجه است. کلیسای حواریون ارمنی با کلیسای ملی اتیوپی دارای روابط حسنه ونزدیک می‌باشد. مرحوم اسقف درنیک پولادیان (مقتول بسال ۱۹۶۳) چندین سال متوالی رئیس مدرسه علوم دینی کلیسای ملی‌اتیوپی در آدیس آبابا بود.

استرالیا

استرالیا در بین مهاجرنشینهای جدید ارمنی، پویا ترین جامعه را تشکیل میدهد.* ۹۰۰۰ ارمنی در سیدنی، سه هزار نفر در ملبورن و ۸۰۰ نفر در بریسبین (Brisbane)، آدلید (Adelaid)وپرت (Perth) زندگی میکنند که جمعا" از سیزده هزار نفر تشکیل میشوند. کلیسای ارمنی در سیدنی توسط یک اسقف و در ملبورن توسط یک وارتابت (شخصی دانشمند و دکتر در علوم الهیات) رهبری میشود. این جوامع دو مجله ماهانه شامل اخبار فرهنگی دارند که این اخبار در اختیار عموم استرالیائی‌ها قرار میگیرد. به غیر از افراد متعدد شاغل در بازرگانی و صنعت، ارمنیان استرالیا دارای حداقل شش نفر با تحصیلات دکترا .Ph.D، دو استاد و دانشگاه، هشت مهندس، دو دکتر طب، هشت پژوهشگر علمی و پنج نفر متخصص موسیقی و هنرهای زیبا هستند.

نتیجه: امیدها و نقاط عطف امروز

" او کمی ارمنی نیز میدانست، ولی عمه دات Dot به‌او گفت که این زبان با ترکی اشتباه شده بود و فقط آنها را اذیت میکرد، بطوریکه ایشان مدتهای مدیدلفظ delendaestArmeniaرا در مورد این مردم پراکنده و بداقبال بکار می‌بردند و توجهی به آنان مبذول نمی‌داشتند".

ــ رز مکاولی، برجهای ترابیزون

صفحه ۲۳

ارمنیان امروزه مردمی محق و شریعتمدار هستند و علی رغم این واقعیت که مراحل تاریخ اخیر قرن حاضر می‌تواند بعنوان دوران توطئه جهانی بر علیه آنها تلقی گردد، ایشان شانه بالا انداخته و بطور مداوم و محکم بهترین وبالاترین کوششها را ارائه داده‌اند. از آنجا که احساس غم و درد و همدردی فزونی می‌یابد ــ وجنایتی که بر علیه خلقشان انجام گرفته نه تنها بی کفاره مانده بلکه بطور وسیعی نیز شناخته نشده است ــ امکان اقدام مستقیم را نیز باقی گذارده است.

این امر اساسا" به ترکیه مربوط میشود. برای کسی که ادبیات مربوطه را مطالعه کرده و طرفدار دو آتشه‌ترکان نیست، "دکترین رسمی" منتشر شده در آنکارا حاکی از اینکه هرگز مسئله‌ای بنام مسئله ارمنی وجود نداشته و

* ما بسیار سعادتمند شدیم وقتی که آقای روبرت میناسیان، دانشجوی دانشگاه لندن که منزلش در ملبورن است، جدیدترین وتازه‌ترین اطلاعات را درخصوص این گروه به ما داد.

یا اگر وجود داشته فقط مسئله چند راهزن و گروه براندازی بوده که به سزای اعمالشان رسیده‌اند، کاملا" مزخرف وخلاف واقع است. افراد بسیاری برای اعتقاد واطمینان بیشتر در پی حقایق هستند. حتی شناسایی اینکه جنایتی بر علیه ارمنیان انجام شده، احتمالا" به نفع ترکیه می بود، اگر چه ما تشخیص میدهیم که جناح راست فعلی (۱۹۷۶) ائتلاف صاحب قدرت در آنکارا محتمل نیست که این کار را انجام دهد. واقع بینانه تر اینکه مامعتقدیم موردی وجود دارد و برای آنکه ترکیه مواد مربوطه معاهده لوزان را با توجه خاص به مدارس ارمنی استانبول، بطور صحیح رعایت نماید. همچنین ما مایل هستیم بناهای تاریخی ارمنی در شرق ترکیه مورد توجه ونگهداری بهتر قرار گیرد، اگر چه ما به هر یک از دولتهای غربی (یا یونسکو) در مورد تحت فشار قرار دادن ترکیه در اینباره تذکر داده بودیم یک رشته عملیات برای نابودی و خرابی بناهای تاریخی باقی مانده، تسریع می‌یابد.

ارمنیان چه ارمنستان شوروی، و چه مهاجرنشین های پراکنده در جهان غم و اندوه و همدردی کمتری دارند. به مانند دوران تزار، ارمنیان هنوز وفادارترین مردم ماوراء قفقاز محسوب میشوند. (اگر چه میهن پرستان ارمنی در مهاجر نشین‌ها میگویند اگر موقعیت مناسب ایجاد شود، ارمنستان فورا" کنار خواهد کشید) با این وصف فشار وانقیاد حکومتی که برای هر شهروند شوروی‌که از خط خارج میشود وجود دارد بناچار بر روی آنهانیز سنگینی میکند. و چشمپوشی از عوامل تحدید کننده آزادی که بر ارمنستان شوروی مستولی است کاری است عبث و بیهوده ولو اینکه بنظر میرسد، هیچ جنبش اساسی "ناراضیان" وجود ندارد. ارمنستان شوروی بعنوان اقامتگاه وخانه‌ای مطمئن یکی از بهترین انتخابها برای یک نفر ارمنی است. زیرا اینجابخشی از ارمنستان تاریخی است. با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی ارمنستان هیچ حکومتی غیر از رژیم شوروی نمی‌تواند از قدرت واتکا نظامی کافی برای حفظموجودیت ارمنیان آنجا برخوردار باشد.

مهاجر نشین‌های ارمنی هم از اوضاع قبرس و هم لبنان رنج می‌برند. در قبرس اگر چه جامعه به مراتب کوچکتر است ولی آنها رو در روی ارتش ترکیه قرارگرفته اند وهمان رفتارهای ارتش ترکیه سابق را می‌بینند. در لبنان اگر چه اکثر آنان خسارات و زیانهای بسیاری را متحمل شده‌اند (بویژه در بخش بازرگانی بیروت که صحنه جنگ است)، لیکن بی طرف مانده‌اند و بی طرفی ایشان مورد شناسایی احزاب درگیر در جنگ قرار گرفته است ــ با وجود تمام مصائب و مضراتی که در جنگ وجود دارد و بویژه بتوپ بستن های نامعین از هر دو طرف نشانگر این امر است که رویدادهای بسیار ناگواری اتفاق افتاده است.

در شرایطی که هر دو جنگ ضررها و خسارات فراوان ببار آورده است، این عقیده ارمنیان که باید از بدها بهترین‌ها را ساخت احتمال غلبه دارد. در بین جامعه ارمنی، بنظر میرسد که روحیه مسالمت آمیز تر رایج باشد واینکه نزاع داخلی دهه‌های اخیر راه را برای یک هم آهنگی وتوازن نامعین همراه نموده است که در حقیقت از نظر رویدادهای لبنان و قبرس بسیار حائز اهمیت است.



ارمنیان قتل عام شده در ترکیه

ضمیمهٔ ۱ محدودیت‌ها و ممنوعیتهای جامعهٔ ارمنی ترکیه (۱۹۷۴)

۱ـ محدودیت های ملکی و مالی حقیقی

۱ ــ بسیاری از ارمنیان متدین مایلند دارایی حقیقی خود را بصورت وقف به کلیساها، بیمارستانها وپرورشگاه‌های ارمنی اهداء نمایند. با این وصف مقامات مربوطه چنین دارایی‌های اهدایی را به رسمیت نمی‌شناسند وبرخی اوقات آنها را ضبط و توقیف می‌کنند چنانکه حداقل در یک مورد اتفاق افتاده و آن بیمارستان ارمنی یدیکوله می‌باشد.

۲ ــ مقامات مربوطه از دادن ورقه مالکیت برای آن دارایی های کلیسائی که برایشان تصمیم دادگاه حقوقی به نفع سازمانهای اجتماعی مذهبی یا خیریه صادر شده است امتناع میورزند.

۳ ــ مقامات مربوطه مداوماً" از دادن اجازه برای ساختن بناها و ساختمانهای جدید در محوطه خالی مربوط به کلیسا که ازآنها مالیات ملکی دریافت میکنند امتناع می‌ورزد بدون آنکه سازمان کلیسا مجاز به استفاده از آنها می‌باشد.

۴ ــکسب اجازه برای تعمیر و بازسازی حتی در موارد ضروری نگهداری کلیساها، مدارس، پرورشگاه‌ها، باانبوهی از مشکلات وتعویق بیهوده توأم است. بدون آنکه حق انتخاب وبا اضافات وجود داشته باشد.

۵ ــ دوکلیسا و دو پرورشگاه، یکی برای پسران بنام نرسسیان و دیگری برای دختران بنام گالفایان در بخش‌های لیسیوغلو در استامبول بخاطر ساختمان یک پل بر رویGoldenHornخراب شده‌اند. مقامات شهری هنوز اجازه تعویض ساختمان های خراب شده با ساختمان های جدید را نداده‌اند. پرورشگاه‌ها موجودیت خود را در ساختمان‌های استیجاری ادامه میدهند واین امر بار سنگین مالی بر دوش این سازمانهای خیریه تحمیل کرده است؛" یکی از عللی است که پرورشگاه‌ها، خدمات خودرا به بچه‌های فقیر جامعه به اندازه وسیعی کاهش داده‌اند.

۶ ــ قسمت فروش ساختمان وسایر املاک خراب شده که توسط مقامات ساختمان پل اخذ گردیده به این سازمانهای اجتماعی داده نشده است و آن را به امانت نگهداشته و معرفی نیازهای اساسی این اموال را معوق گذارده‌اند.

۷ ــ بر اساس مقرراتی که در سال ۱۹۳۶ وضع شد به غیر از مخارج معمولی عملیاتی، مقامات محلی نمی توانند بدون اجازه مقامات "وکیفلر"* بیش از ۲۵۰ لیره بپردازند، این مقررات تا اخیرا" به مرحله اجرا در نیامده بود. توجه به این مسئله بسیار شدید است. ولی مقامات این واقعیت رانادیده می‌گیرند که مبلغ ۲۵۰ لیره در سال۱۹۳۶ تقریبا"، معادل ۲۵۰۰۰ـ۲۰ لیره امروزی ترکیه است.

۸ ــ مقامات "وکیفلر"اخیرا" ۵% اضافه مالیات بر درآمد سازمانهای عام المنفعه وضع کرده‌اند که همیشه مالیات های دولتی و شهرداری خود را پرداخته‌اند. آنها این مالیات اضافی معادل ۵% را حتی از کلیه دریافتهایی نیز بدست می‌آورند که برای موازنه بودجه سازمان پیش بینی شده است

۹ ــ مقامات "وکیفلر" مبالغی را از فروش دارایی مطالبه میکنند تا به "بانک وکیفلر" واریز گردد. پول هامسدود میشود و سازمان جامعه هرگز نمی‌تواند آنها را پس بگیرد ولی می‌تواند یک بهره ظاهری دریافت کند.

۲ـ محدودیت های آموزش وپرورش

۱ ــ کنترل شدیدی بر مدارس محلی* ارمنی (تعداد ۳۲) اعمال میشود. علیرغم این واقعیت که مدیران ارمنی مدارس تابعیت ترکیه دارند، اداره آموزش و پرورش یک "معاون مدیر" ترک نیز منصوب کرده استکه به مثابه مدیر " دوفاکتو" مدرسه می‌باشد و بدون تصویب شخص اخیر مدیر "دوژور" ارمنی نمی‌تواند کاری انجام بدهد هدف آنهاتا آنجا که ممکن است "ترک نمودن" مدارس ارمنی می‌باشد.

۲ ــ مدیران مدارس ارمنی گرچه توسط مقامات جامعه منصوب میشوند ولی باید به تائید اضافی اداره آموزش و پرورش نیز برسند. اخیرا" در اکثر موارد، پس از تعللهای طولانی، اداره آموزش و پرورش از تائید آنان سرباز میزنند. معمولا" آنان از تائید شخصیت های پا برجا و کاردان وافراد شایسته امتناع

* یعنی اداره اموال مذهبی

میورزند. آنان به آسانی افراد متوسط و میانه را مورد تائید قرار میدهند. در طول سه سال اخیر بیش از چهار مدیر منصوب شده مورد تائید اداره آموزش و پرورش قرار نگرفته‌اند و فعلا" حداقل سه مدرسه بدون مدیر ارمنی وجود دارد که توسط "معاون مدیر" ترک اداره میشود.

۳ ـ مقامات مدارس ارمنی در پیدا کردن آموزگار برای مدارس ابتدائی خود با مشکلات فراوان و بزرگ روبرو هستند. دلیل آن چنین است: اخیرا" هیچ فارغ التحصیل یک آموزشگاه ارمنی (مدرسه عالی) نمی‌توانست در هیچ دبستان ارمنی تدریس کند. حالا نیز آنان بدستور اداره کل آموزش و پرورش از این حق محرومند. اگر تسهیلات برای ترفیع سطح معلومات زبان ارمنی متقاضیان میسر بود، ارمنیان به این مقررات اهمیتی نمی‌دادند. هیچ چنین تسهیلات و امکاناتی موجود نیست و متقاضیان آموزگاری ارمنی پس از به پایان بردن هشت سال تحصیل باید در مدرسه دولتی آموزگاران ثبت نام کنندو چهار سال بعد از آنجا فارغ التحصیل گردند. تاکنون کسی که فارغ التحصیل میشود معمولا" اکثرا" معلومات زبان ارمنی را که در مدرسه محلی خود فرا می‌گیرد، فراموش میکند به آموزگاران در مدارس ابتدایی جامعه پیشنهاد میشود تا به زبان ارمنی تدریس کنند. مدارس ارمنی اکنون حداقل ۲۵ آموزگار ارمنی برای تامین نیازهای دبستان های خود کمبود دارد. از آنجا که دستیازی به این امر امکان پذیر نیست، مکان های خالی توسط آموزگاران ترک پر میشود که هدف این محدودیت هاست.

۴ ـ اخیرا" شایسته ترین مدیره آموزشگاه عالی ارمنی بدون ارائه دلیل، از اداره‌اش اخراج شده است.

۵ ـ هر شخصی به نام "مفتش" یا بازرس می‌تواند در هر زمان به هر مدرسه ارمنی برود و وقت گرانبهای مدیران را برای امور جزئی و بی معنی تلف کند. بعنوان مثال میپرسند که چرا آنها بزبان ارمنی یا به هر زبان خارجی دیگر سخن میگویند... چرا در ناهار خوری، دانش آموزان سر میز غذا دعا میکنند (نه در کلاسها)؟

۶ ـ سال اخیر این "مفتش" ها ده پسر بچه کوچک را بعلت اینکه " زبان ارمنی نمی‌دانند" از مدرسه‌پرورشگاه اخراج کردند.

۷ ـ درست در آغاز سال تحصیلی ۱۹۷۳ ـ ۱۹۷۴ فرمانی از سوی اداره آموزش و پرورش صادر شد دال براینکه دانش آموزان ویا افرادی که مدرسه خود را می‌خواستند تغییردهند قبل از کسب اجازه از اداره آموزش و پرورش نباید ثبت نام میشدند. این امر باعث تعللها و تاخیرات بی مورد گردید. مواردی وجود دارد که برخی از دانش آموزان اجازه خود را سه ماه پس ازآغاز کار مدارس کسب کرده‌اند. حدود ۴۰ ـ ۵۰ دانش آموز به این علت ساده که مذهب پدران یا اجداد آنان در ادارات ثبت دولتی بعنوان "مسیحی" (بدون اضافه کردن کلمه "ارمنی") یا "ارتدوکس ارمنی" که آنان آنرا بعنوان نامگذاری دیگری برای کلیسای حواریون ارمنی (که قطعا" بی مورد است) تلقی میکردند، نوشته شده موفق به کسب اجازه نشدند این بهانه‌های مضحک و خنده آور برای امتناع و عدم قبول، مقصود و اهداف مقامات مربوطه یعنی کم کردن تعداد دانش آموزان ارمنی را آشکار میسازد.

۸ ـ مقامات از دادن اجازه تبدیل حداقل چند مدرسه به مدارس شبانه سرباز زده‌اند زیرا تعداد زیادی بچه‌های فقیر وجود دارند بویژه آنهایی که ازخانواده‌های نیازمند آسیای صغیر می‌آیند که به توجه ونگهداری، پناهگاه وتغذیه ای بهتر از آنچه که در خانه‌های خودشان داشته‌اند نیازمندند. بعلاوه اینها خانواده‌هایی بزرگ با بچه‌های متعدد هستند که گاهی تعداد آنان به ده یا بیشتر میرسد.

سازمان های عام المنفعه اکنون ازاین بچه‌های فقیر در خانه‌های معمولی استیجاری نگهداری میکنند که این امر به غیر از ایجاد مشکلات مکانی، بار سنگین واضافه مالی بر دوش انجمنهای مربوطه است.

اینها برخی از محدودیت هایی بود که بوضوح نه تنها بر خلاف معاهده لوزان بلکه ناقض قانون اساسی کشور نیز می‌باشد زیرا والدین مختارند بچه‌هایشان را به هر مدرسه‌ای که ترجیح میدهند بفرستند. ثانیا"، تا آنجا که ضوابط قانونی اجرا شود هیچ قانونی بر علیه تبدیل یک مدرسه خصوصی ـ اوزول اکول ـ به مدرسه شبانه وجود ندارد. این محدودیت ها علاوه بر تضادش با حقوق و قوانین و منطق، در بسیاری از موارد بر خلاف حقوق اولیه و وجدان انسانی هستند مثلا" عدم قبول موقوفات اهدایی به یک بیمارستان، که با روحیه مذهبی وانسانی انجام میگیرد و یا حتی ضبط و توقیف آنها ویا امتناع از اینکه بچه‌های فقیر کشور از تسهیلات شایسته برخوردار شده وزندگی نمایند.

۳ـ محدودیت های عمومی

سایر محدودیت ها که نه مالی ونه آموزشی هستند عبارتند از:

الف) اززمانهای قدیم تا دوران جمهوری وتا سقوط رژیم مندرس، جامعه ارمنی یک کمیته اجرائی مرکزی داشت که در سال ۱۹۶۰ موقوف شد. این یک قانون اساسی در کلیسای ارمنی است که تمام اجتماعات به غیر از کمیته های

اجرائی محلی باید کمیته‌ها شورای اجرایی مرکزی خود را نیز داشته باشند. در ایالات متحده، فرانسه، خاورمیانه، و حتی ارمنستان شوروی چنین رسم است. فقط در ترکیه است که جامعه ارمنی اکنون از شورای مرکزی خود محروم می‌باشد.

ب) مقامات به شورای مذهبی کلیسای ارمنی در ترکیه اجازه دادند تا به موجودیت و فعالیت خود ادامه دهد. آخرین شورای مذهبی در سال ۱۹۶۱ با انتخاب بطریق کنونی برگزیده شد. شورا از ۹ تن تشکیل میشود که چهارنفر از آنان از سال ۱۹۶۱ به بعد درگذشته‌اند.

بطریق از مقامات تقاضا کرده است تا برای انتخاب شورای جدید بر اساس مقررات و قوانین کلیسای خود اجازه دهند اکنون سه سال مداوم با تقاضاهای بسیار، سپری شده و هیچگونه اجازه‌ای تاکنون دریافت شده است.

ج) اسامی رسمی رایج برای سازمانهای عام المنفعه همیشه "هیئت موفتلی" (Mūfetelli Heyeti) بوده است. در سال ۱۹۶۵ اداره "وکیفلر" به "یونتیم کورولو" مبدل گردید. وقتی که هدف از این تغییر مورد سئوال قرار گرفت جواب این بود که آنها عبارات قدیمی عربی را به ترکی جدید تبدیل میکنند. با این وصف سالهای آتی نشان داد که این الفاظ معانی قانونی مشکل و بسیار مهمی دارند. لفظ اول به معنی سازمان "وکیف" با کلیه‌حقوق مالکیت دارایی ــ فروش، خرید، تصرف، ساختمان، تعمیر، بازسازی وغیره ــ می‌باشد. در حالیکه لفظ دوم یک‌سازمان اداری بدون حقوق مالکیت بود. این مقامات شهری میگویند که سازمان عام المنفعه، دیگر نمی‌تواند دارایی‌های‌جدیدی خریداری یا تصاحب کند. آنها حتی نمی‌توانند چنین مایملکی حتی بعنوان یک هدیه ویا بصورت تمایل، بدست آورند، و در حقیقت، مقامات مربوط از دادن سند مالکیت به سازمانهای عام‌المنفعه حتی برای مایملکات خودشان که برای آن، ایشان به هر علتی قبلا" سند ملکیت دریافت نکرده‌اند، سرباز میزنند.

ضمیمهٔ ۲

تخلیص از مدارک ارائه شده به گروه حقوق اقلیتها توسط آقای جیمز تاشجیان از طرف فدراسیون انقلابی ارمنی، بوستون، ایالات متحده (دهم ژوئیه ۱۹۷۶).

احیاء مجدد مسئله ارمنی

ارمنیان از زمان محروم شدن از سرزمین اجدادی خود و سپس تبعید قهرآمیزشان، از هر فرصتی برای مطرح ساختن خواستهای ملی خود استفاده کرده‌اند. آنان پس از جنگ اول جهانی در کنفرانس صلح پاریس، در کنفرانسهای لوزان و در جامعه ملل و دگر بار در کنفرانس ملل متحد سان فرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ چنین فعالیتهای را دنبال کرده‌اند. و متعاقبا" از ادعاهای شوروی مبنی بر بازگرداندن قارص و آردهان واقع در ترکیه به ارمنستان شوروی حمایت نموده‌اند (رجوع شود به گزارش وزارت خارجه بریتانیا، مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۵).

با این وصف در سال ۱۹۶۵ یعنی در پنجاهمین سالگرد نژادکشی ارمنی، همه ارمنیان خواستهای ملی خود را دگر دگر بار مطرح نموده و قویا" خواهان برگشت سرزمینهای خود شدند. هزاران نفر در بیروت، تهران، آتن، پاریس، مارسل، نیویورک، بوستون، لوس‌آنجلس، بوئنوس آیرس و مونتویدئو دست به تظاهرات و راهپیمائی زدند.

دادخواستهایی برای ملل متحد، روساء دولتها و سفیران فرستاده شد. این گردهمایی‌ها دربرخی جاها به زدو خورد با پلیس انجامید.

در سال ۱۹۷۵، شصتمین سالگرد نژادکشی در هرجا که ارمنیان زندگی میکردند در سطحی وسیعتر گرامی داشته شد. تظاهرات عظیم انبوه راهپیمایان و تظاهر کنندگان برپا گردید. بعنوان مثال، ۵۰/۰۰۰ نفر در بیروت، ۱۰۰/۰۰۰ در نیویورک و تعداد معتنابهی در بوئنوس‌آیرس راهپیمایی کردند. بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر ارمنی در راهپیمایی عظیم تهران شرکت جستند.

شصت و یک سال پس از نژادکشی، آگاهی فزاینده‌ای، بویژه در میان نسل جوان ارمنی، نسبت به دادخواهی خود، و با یک هدف برای نیل به حقوق حقه پدیدار گشتهٔ است. اخیرا" چندین سازمان مخفی ارمنی به اعمال نهایی و ناچارانه تروریستی متوسل گردیده‌اند. این یک تحول جدید میباشد که نشان میدهد حداقل بخشی از مردم، معتقدند طرف صلح‌آمیز برای نیل به دادخواهی محق خود نا امید کننده است.

ارمنیان بخوبی سازمان یافته‌اند، آنان دارای کمیته‌های ملی هستندکه برای پیگیری دادخواهی خویش در جاهائی که ارمنیان سکونت دارند بطور متمرکز اداره میشوند. ویژگی خاص این امر توسط فعالیت شدید و مصرانه در کشورهایی

که آنها زندگی میکنند و توسط تماسهایی که با تعدادی از دولتها برقرار کرده‌اند، مشخص میشود. تصمیمات مجلس نمایندگان اروگوئه و سنای سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱، مبنی بر ارائه و طرح مسئله ارمنی در ملل متحد و تصویب مصوبه‌ای در مورد کشتارهای ارمنیان توسط مجلس نمایندگان ایالات متحده در سال ۱۹۷۵، برخی از نتایج این گونه فعالیتها بود.

نماینده ترکیه در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، در مورد یک پاراگراف که در باره قتل عام ارمنیان در گزارش نژادکشی به سوکمیسیون ارائه شده بود بر روی بخشی از ارمنیان با عکس‌العمل بسیار شدید رفتر کردند. صدها نامه بعنوان تاسف از دخالت در کار بشر دوستانه، برای اعضای سوکمیسیون فرستاده شد. نتیجه این بود که بسیاری از رای‌ها از جمله رای کارشناس بریتانیا در آخرین جلسه سوکمیسیون در ژنو در اعتراض به ماهیت گزارش و استقلال گزارش دهنده از فشار بی‌جهت سیاسی بود.

دعاوی و خواستها

۱ ــ ارمنیان خواستار این هستند که جنایت نژادکشی انجام شده بر علیه ملت ارمنی در سال ۱۹۱۵ و سالهای بعد، توسط جامعه بین‌المللی و از طریق ملل و غیره و ترکیه محکوم شود.

۲ ــ این واقعیت باید مورد شناسایی قرار گیرد که نژادکشی شروع شده در سال ۱۹۱۵ تا زمانی که ارمنیان مجاز به برگشت به سرزمین اجدادی خود نیستند و بالمآل هویت خود را در سرزمین‌های خارجی بتدریج از دست میدهند ادامه داد، و اینکه بناهای تاریخی فرهنگ کهن ارمنی در ترکیه عمدا" ویران شده و یا گذاشته میشوند تا از بین بروند، دیگر اینکه ارمنیان ترکیه (آنچه که از آنان در ترکیه باقی مانده) تحت ظلم و ستم قرار دارند.

۳ ــ برای بپایان بردن این بی‌عدالتی قسمت اعظم موطن ارمنیان که اکنون تحت اشغال ترکیه قرار دارد و خالی از سکنه بومی ارمنی‌خود میباشد، باید به صاحبان واقعی و محق خود یعنی به خلق ارمنی باز پس داده شود.

پایان

کتابنامه

BIBLIOGRAPHY

Historical Background

BURNEY, Charles, and D.M. LANG. *The Peoples of the Hills, Ancient Ararat and Caucasus*, London and New York 1971.
DER NERSESSIAN, Sirarpie. *The Armenians*, London and New York 1969.
LANG, D.M. *Armenia, Cradle of Civilization*, London 1970.
LEHMANN-HAUPT, C.F. *Armenien Einst und Jetzt*, 3 Bd., Berlin, Leipzig 1911–1931.
LYNCH, H.F.B. *Armenia. Travels and Studies*, 2 vols., London, 1901: Reprinted by Khayats, Beirut 1965.
MORGAN, Jacques de. *Histoire du peuple arménien*, Paris, Nancy 1919.
ORMANIAN, Patriarch Malachia. *The Church of Armenia*, new ed., London 1955.
PASDERMADJIAN, H. *Histoire de l'Arménie*, 2nd ed., Paris 1964.

The Armenian Question and the Ottoman Genocide

ANDERSON M.S. *The Eastern Question*, 1774–1923, London 1966.
BRYCE, James, Viscount. *Transcaucasia and Ararat*, London 1877.
DAGHLIAN, Levon K. *Under the Gallows*, Belmont, Mass. 1970.
GIDNEY, James B., *A Mandate for Armenia*, Ohio 1967.
GÖKALP, Zia. *The Principles of Turkism*, trans. Robert Devereux, Leiden 1968.
HOSTLER, Charles W. *Turkism and the Soviets*, London 1957.
HOUSEPIAN, Marjorie. *Smyrna 1922: The Destruction of a City*, London 1972.
HOVANNISIAN, Richard G. *Armenia on the Road to Independence, 1918*, University of California Press 1967.
HOVANNISIAN, Richard G. *The Republic of Armenia*, vol.1: 1918–1919, University of California Press 1971.
KAYALOFF, Jacques. *The Battle of Sardarabad*, The Hague and Paris, 1973.
KARABEKIR, Kazim. *Istiklal Harbimiz, (Our War of Independence)*, Istanbul 1960 and 1969
KAZEMZADEH, F. *The Struggle for Transcaucasia (1917–1921)*, New York and Oxford 1951.
LEPSIUS, Johannes. *Deutschland und Armenien*, 1914–1918, Potsdam 1919.
LEWIS, Bernard. *The Emergence of Modern Turkey*, 2nd ed., London 1968.
LUKE, Sir Harry. *Cities and Men, an Autobiography*, vol.2, London 1953.
MORGENTHAU, Henry. *Ambassador Morgenthau's Story*, New York 1918.
NAIM BEY. *The Memoirs of Naim Bay*. Turkish official documents relating to the deportations and massacres of Armenians, 2nd ed., Newtown Square, Pa., 1964.
NALBANDIAN, Louise. *The Armenian Revolutionary Movement*, University of California Press 1963.
NERSISIAN, M.G., (ed.) *Genotsid Armyan v Osmanskoy Imperii*, Erevan 1966.
NOREHAD, Bedros. *The Armenian General Benevolent Union*, New York 1966.
SURMELIAN, Leon. *I Ask You, Ladies and Gentlemen*, London 1946.
TORIGUIAN, Shavarsh. *The Armenian Question and International Law*, Beirut 1973
TOTOVENTS, Vahan. *Scenes from an Armenian Childhood*, trans. M. Kudian, London 1962.
[TOYNBEE, Arnold, (ed.)] *The Treatment of Armenians in the Ottoman Empire*. Preface by Viscount Bryce, London 1916.
TRUMPENER, Ulrich. *Germany and the Ottoman Empire*, 1914–1918, Princeton 1968.
VRATSIAN, S. *Hayastani Hanrapetutiun, (The Republic of Armenia)*, Beirut 1958.
WERFEL, Franz. *The Forty Days* [of Musa Dagh], trans. G. Dunlop, London 1934.
ZENKOVSKY, Serge A. *Pan-Turkism and Islam in Russia*, Cambridge, Mass. 1960.

Current Situation: Armenian Diaspora

ARLEN, Michael J. *Passage to Ararat*, London 1976.
ARMENIAN REVIEW, 212 Stuart St, Boston, Mass.
ARMENIAN WEEKLY, 212 Stuart St, Boston, Mass.
ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM, articles 'Anadolu', 'Arminiyya', etc.
GREAT SOVIET ENCYCLOPAEDIA ('Bol'shaya Sovetskaya Entsiklopediya'), article 'Armenian SSR',

and separate articles on Armenian places and cities, and leading personalities.
HILLS, Denis Cecil. *My Travels in Turkey*, London 1964.
KARAPETIAN, Karapet. *Isfahan, New Julfa: The Houses of the Armenians*, Roma 1974.
MATOSSIAN, Mary K. *The Impact of Soviet Policies in Armenia*, Leiden 1962.
MOVSESIAN, S.A. *Armeniya vchera, sevodnya, zavtra* (*'Armenia yesterday, today and tomorrow'* – Russian), Erevan 1966.
NOVE, Alec, and J.A. NEWTH. *The Soviet Middle East: A Model for Development?* London 1967.
SALMASLIAN, A. *Bibliographie de l'Arménie*, Erevan 1969.
SANJIAN, A.K. *The Armenian communities in Syria under Ottoman dominion*, Harvard University Press 1965.
SARKISIAN, E.K. and SAHAKIAN, R.G. (trans, E.B. Chrakian), *Vital Issues in Modern Armenian History*, Watertown, Mass. 1965.
SARKISYAN, Sarkis. *L'Arménie d'aujourd'hui*, Paris 1968.
SETH, Mesrovb Jacob. *Armenians in India from the earliest times to the present day*, Calcutta 1937.
WAUGH, Evelyn. *When the Going was Good*. Penguin Books, Harmondsworth, Middlesex.

Documentary Films

Films listed in THE TELCO REPORT on Soviet Armenia and Armenians abroad: (B-broadcast, D-distributor)

722247 *"Man Lands on Ararat"* (24 minutes 7", colour). Film shows Armenia and its people today, a modern commune, urban youth in Yerevan, etc. P-Oy Mainos TV Pasilankatu 44, 00240 Helsinki 24.

723731 *"The Ararat Valley"* (30 minutes, colour) shows Armenia and its people, art, architecture, etc. and includes the astronomer Hambartzumian the composer Khatchaturian and the Armenian Catholicos Vazgen I. P-Polish TV, Woroniscza 17, Warsaw, Poland.

X7501d *"USSR – 40th Parallel"* H. Clemens and R. Koch were allowed to film in Armenia with the aid of the official Novosti News Agency, but much of the country is out of bounds. B-24 Jan. 75 Hessischer Rundfunk, Bertramstr. 8, 6 Frankfurt 1, Germany.

755040 *"Singing in the Night: The Armenians in Iran"* (49 minutes 26") After the 1915 deportations, a group of Armenians settled in Isfahan, where there are still many typically Armenian villages with a culture of their own. P-1974 NCRV D-NOS, Postbus 10, Hilversum, Holland.

760131 *"And Still the Hope"* (30 minutes) commemorates the Armenian Massacres and includes pictures of Armenian heritage and a discussion (with the Primate of the Armenian Church of America and Dr. V.L. Parsegian, nuclear physicist, and Dr. H. Nersoyan, professor of philosophy) on genocide and mass violence. B-13 Apr.75 CBS news (in Lamp Unto My Feet). D-Viacom International 345 Park Avenue, New York 10022.

760724 *"Armenian Mass"*, sung in its entirety in its original 5th century language, at the Armenian church of Saint-Hagop in Troinex, Switzerland. B-25 Jan. 76 Swiss French TV, 20 Quai Ecole de Medecine, 1200 Geneva.

760725 A film to commemorate the 75th anniversary of the Diocese of the Armenian Church in North America. The church is also a guardian of Armenian culture and tradition. The Most Rev. Torkom Manoogian discusses the church's link with the hierarchy in Soviet Armenia. B-23 Sept. 73 CBS News (in Lamp Unto My Feet). D-Viacom International, 345 Park Avenue, New York 10022.

The above film list was provided by Richard S. Clark, TELCO, 19 Gurnells Road, Seer Green, Beaconsfield, Bucks. HP9 2XJ, UK.

Enquiries regarding these films should be addressed to the broadcaster or distributor listed, and not to TELCO.

پروفسور دیوید مارشال لانگ بسال ۱۹۲۴ متولد گردید و در دانشکده سن‌جان و کمبریج (۱۹۴۶ – ۱۹۵۲) تحصیل کرد. از۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ وی معاون کنسول بریتانیا در تبریز (آذربایجان‌ایران)بود. وی از دانشگاه کلمبیا و کالیفرنیا (لوس آنجلس) دیدن کرده و در سال ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ به ارمنستان شوروی مسافرت نموده است.اواکنون استاد مطالعات قفقاز در SOAS دانشگاه لندن میباشد. او مؤلف کتابهای "ارمنستان، مهد تمدن"، و (باهمکاری چارلز برلی) "مردمان کوهستان، آرارات و قفقاز باستانی" است.

کریستوفر ج. واکر بسال ۱۹۴۲ در منچستر زاده شد و تحصیلاتش را در کالج لنسینگ و کالج بریس‌نوز، اکسفورد بدست آورد. او در بخش نسخ ساتبی و بخش تحریر یه کتابهای پنگوئن کار کرده است. او بسال ۱۹۷۱ برای نگارش تاریخ جدید ارمنستان به جایزه چرچیل نایل گردید. او به ارمنستان شوروی و ارمنستان ترکیه مسافرت کرده‌و ایروان، اچمیادزین مقدس، لنیناکان، وان، قارص و آنی را مورد بازدید قرار داده است. او مقالاتی درThe Times و The Observer نوشته و با مطالعات خاورمیانه همکاری دارد.

♣ ارمنیان
♣ نویسندگان: مارشال لانگ، کریستوفر واکر
♣ ترجمهٔ ا. گرمانیك
♣ ناشر: مترجم
♣ ۳۰۰۰ نسخه
♣ چاپ ندا
♣ چاپ اول بهمن ماه ۱۳۶۱
♣ بها ۲۵۰ ریال

شماره ثبت در کتابخانه ملی ۲۴۰ — ۶۱/۱۲/۱۲